

# افشای اسناد مربوط به نوطنه سرکوب سازمانها و گروههای سیاسی

صفحه ۷

## مردم ایران لایحه قصاص را که تبلور دوران پرپریت و توحش است به زباله دان تاریخ خواهند انداختند

صفحه ۱۰

### معامله ایدئولوژیک رویزیونیستها و البیون پیرو خط امام

روزهای ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ماه  
سرمایه‌ای با نام "بخت آزاد" از تلویزیون  
بخش شده در آن از یکسوا حسن ظیری از  
حزب توده، رفیق نگهدار از اکثریت و در  
سوی دیگر نکتیروس و مصباح شرکت  
داشتند. ما چنان که در شما ره پیش تصریح  
کردیم با این گونه بحثها در این شرایط  
بحرانی موافقتی نداریم. لیکن از آنجا  
که بیم می رود ارتداد خوش پوش و  
بقیه در صفحه ۲۱

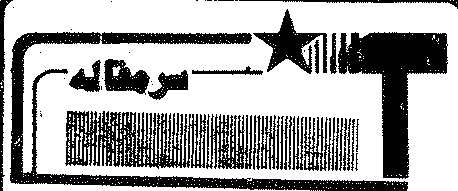
### در سالگرد تعطیل دانشگاهها مبارزه برای بازگشایی دانشگاهی مردمی، آزاد و شورائی را گسترش دهیم

با گذشت یک سال از تعطیل دانشگاهها،  
و بلا تکلیفی ۲۰۰ هزار دانشجو و ۷۰۰ هزار  
بشت کنکوری و در شرایطی که نشانه‌های باز-  
گشایی دانشگاهها در دست نیست، مسئله  
دانشگاهها به مثابه یکی از معضلات عمده -  
اجتماعی و سندسواشی حاکمیت، خود نمائی  
میکند.  
با آغاز سال جدید، حاکمیت، درمانده  
از پاسخگویی به ابتدائیترین نیازهای  
توده‌ها و مواجبه اعتراضات روبه گسترش،  
بقیه در صفحه ۵

## ۹ خرداد ۵۸ چهارشنبه سپاه : روزی خونین در تاریخ خلق عرب خوزستان

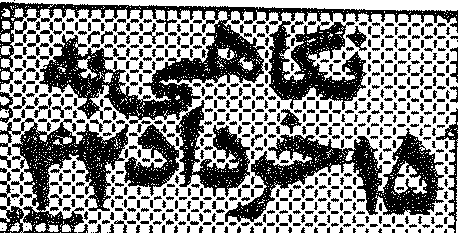
در خوزستان و شرکت مستقیم سپاه  
پاسداران، تکاوران، کمیته خرمشهر و  
سازمان امل سرهم بندی شده بود. این  
نوطنه خونین که از ساعت ۴ با مداد شروع  
بقیه در صفحه ۲۳

در نهم خرداد ۱۳۵۸ نوطنه رژیم  
جمهوری اسلامی برای سرکوبی خلق  
عرب خوزستان بمرحله اجرا درآمد. این  
نوطنه به سرمداری تیمسار مدنی مزدور  
سیاست‌انداز برگرزیده جمهوری اسلامی



### پیش از طوفان

دورانهای انقلابی در تاریخ هر کشوری  
اهمیتی بسیار ویژه‌اند. در یک دوران -  
انقلابی که جامعه دستخوش تحولات  
و تغییرات عظیم است، حوادث با سرعتی  
سرگشته و رخ میدهند و تاریخها گامهای  
غول آسا به پیش می‌تازد. در یک چنین  
دورانها همه سرشا را از رویدادها و حوادثی  
است که وقوع هر یک از آنها در دوران سکون  
و آرامش، نیاز به گذشت چندین سال دارد.  
در این دوران تحول انقلابی با گذشت  
هر روز، رویدادها تازه به وقوع می‌پیوندد و  
سرعت رویدادها چنانست که رویداد -  
روز گذشته ای را بگونه‌ای که گویی مربوط  
به یکسال پیش بوده‌اند، کهنه می‌کنند و از  
دستور خارج می‌سازد. بقیه در صفحه ۲



### در این شماره

- جنبش جهانی
- پاسخ به سئوالات
- دعوی اصلی بوسر چیست؟
- از اعلامیه ها و... کارگران پیشرو
- گزارشهای روسستانی

# پیش از طوفان

حسین امین سرایبی را دیدم و آرزو کردم که با او ملاقات کنم. در آن لحظه من در تهران بودم و او در کربلا بود. او را دیدم و او را دیدم... او را دیدم و او را دیدم... او را دیدم و او را دیدم...

در روزی هفت تا چهارده روز بعد از انقلاب، سبک‌بازان که با توطئه خود در مقابل انقلاب ایستادند، سعی کردند که با توطئه خود در مقابل انقلاب ایستادند...

واقعیات می‌نویسد که در حین سوسیالیسم ما در ایران، ما در ایران... ما در ایران... ما در ایران... ما در ایران... ما در ایران... ما در ایران... ما در ایران... ما در ایران...

بسیار از مسأله‌های ما در ایران، ما در ایران... ما در ایران... ما در ایران... ما در ایران... ما در ایران... ما در ایران... ما در ایران... ما در ایران...

همه شواهد نشان می‌دهد که بسیار احتمال است، ما در مرحله پیش از طوفان، در آستانه رویدادهای تاریخی عظیمی قرار گرفته ایم و بمرحله نوینی ارزشمند می‌رسیم.

همه شواهد نشان می‌دهد که بسیار احتمال است، ما در مرحله پیش از طوفان، در آستانه رویدادهای تاریخی عظیمی قرار گرفته ایم و بمرحله نوینی ارزشمند می‌رسیم.

همه شواهد نشان می‌دهد که بسیار احتمال است، ما در مرحله پیش از طوفان، در آستانه رویدادهای تاریخی عظیمی قرار گرفته ایم و بمرحله نوینی ارزشمند می‌رسیم.

همه شواهد نشان می‌دهد که بسیار احتمال است، ما در مرحله پیش از طوفان، در آستانه رویدادهای تاریخی عظیمی قرار گرفته ایم و بمرحله نوینی ارزشمند می‌رسیم.

حکومت مکتبی نیز از روزی که قدرت رسید، بی‌حیای با شکنجی بخواستهای توده‌ها مدام شرایط زندگی توده‌ها را تغییر داد...

حکومت مکتبی نیز از روزی که قدرت رسید، بی‌حیای با شکنجی بخواستهای توده‌ها مدام شرایط زندگی توده‌ها را تغییر داد...

حکومت مکتبی نیز از روزی که قدرت رسید، بی‌حیای با شکنجی بخواستهای توده‌ها مدام شرایط زندگی توده‌ها را تغییر داد...

حکومت مکتبی نیز از روزی که قدرت رسید، بی‌حیای با شکنجی بخواستهای توده‌ها مدام شرایط زندگی توده‌ها را تغییر داد...

# استقلال - مبار - مسکن - آزادی

استقلال - مبار - مسکن - آزادی

استقلال - مبار - مسکن - آزادی

استقلال - مبار - مسکن - آزادی



اعلامیه های دسل در حدود هفتاد و دو  
دوم اردیبهست منتشر شده اند.

### اراک

کارگران هواداران زمان در اراک در  
راست با اتحاد شورای اوامری در ماس -  
ساری اعلامیه ای منتشر نموده اند. در این  
اعلامیه سراسر اراک فعالیت عملی صدارت کمی  
مدیر که از خلال شورای کارگران یک نمونه  
ارایه است می نویسد: "ما بدست تشکیل مجمع  
عمومی در حضور تمام کارکنان و در یک  
محلی عالم سما صدگان واقعی خود را انتخاب  
کنیم. این شورای منتخب، زمینه لازم را  
برای انتخابات شوراهای قسمتی را آماده  
خواهد کرد. بکلی رد دیگر جرایم ننگه ما کید  
می کنیم که: نورا فقط در شرایطی می تواند  
اعمال قدرت کرده خواستهای سرحسوق  
کارکنان را با مینمایند که ارجح است  
قدرت سده که کارکنان سرحورد را رساند. در  
در عین صورت به حصصی تبدیل می گردد که  
حیاتی بریب در مقابل وطنه های رنگارنگ  
حاکمیت و عواملش اربیب خواهد رفت.  
ما اتحاد و ایمن به قدرت اتحادمان -  
شورای منتخب خود را تشکیل دهیم."

### اصفهان

کارگران پیشرو دوباره در تراکمی  
با عنوان "سیخون با ساداران سرمایه  
به محل شورای کارکنان جنگ زده شرکت  
نفت مسفر در با شگاه شرکت نفت اصفهان  
می نویسد: "هم اکنون بیش از هفت ماه  
از جنگ ما عادلانه و خالص نسوز زیمهای  
ارتجاعی ایران و عراق می گذرد. بیست  
از ۲ میلیون آواره جنگی در بدترین  
شرایط از لحاظ تغذیه و بهداشت و مسکن  
بسر می برند.

آوارگان جنگ که از دولت جمهوری  
اسلامی خبری ندیدند برای نجات خود از مرگ  
مجبور به مهاجرت به انقلابی با ختمای شهبازی  
مسکونی جانی شدند. ولی با ساداران سرمایه  
با شیخون خود و نفرانها پندگدان آنها  
را پنج شصت (سوم) ردیدند (دستگیر  
و چون با مقاومت سایر کارگران آواره  
در حمایت از پندگان نشان روی آورد  
شدند نفرانها و ارکان حمایت کننده را  
نیز از دست نمودند و نشان مفعول واره  
محل سکونت آنها حمله و رشدهند. ما  
کارگران پیشرو، حمایت خود را از خواسته  
های بحق آوارگان جنگ اعلام داشتیم.  
همه های رژیم جمهوری اسلامی را محکوم  
نموده و قریباً دویست و پنجاه آواره  
نان مسکن ندارند. بهداشت، مسکن و نان  
برای آوارگان تامین باید کرد."

هواداران سازمان در اصفهان  
تراکمی در رابطه با مبارزات و دستگیری  
کارآموزان منتشر نموده اند. در حال حاضر  
دستگیرندگان آزاد شده اند اما از آنجا  
که در این تراکت خواستهای کارآموزان  
را قید نموده اند درج آن اقدام می کنیم.  
در قسمتها نیز از این تراکت چنین آمده  
است: "رژیم جمهوری اسلامی... بدست  
سیاستهای سزاکوب و اختناق این سزار  
نیز در مقابل خواست عادلانه کارآموزان  
(۱) پرداخت حقوق عقب افتاده دریمی  
ازاد است (۲) پرداخت حقوق درایم رسمی (۳)  
۳ بازگشت به کار و استخدام رسمی (۴)  
که برای تحقق آن در استناد ری مدت ۲۵  
روز متخص شده بودند، تعداد زیادی را  
دستگیر و زندانی نموده است.  
... با بهره جری روز تیره خواستهای سرحوق  
کارآموزان گردن نهید و بدون فید و شرط  
کارآموزان زندانی را آزاد کند."

### تهران

دزدی بخال برای کمک به "تیمان -  
قم" عنوان تراکمی است که کارگران پیشرو  
فیوردر آن نوشته اند: "اخیراً "مدها  
بخال و ماشین لبا شونی توسط او سی  
(مدیر دفتر مرکزی فیلیور) به بهانه کمک  
به "تیمان قم" از کارخانه به سرقت  
رفته است. مدیران به دزدیهای با نوسی  
و با حمایت دولت اکتفا نکرده، بلکه سعی  
دارند به بهانه های گوناگون بخالها را  
با قسمتی بالاتر در بازار آزاد آب کنند.  
این دزدیها با تاخیر تمامندگان سازش  
کارشورا صورت می گیرد. شما بندگان سازش  
کاری که جز تاخیر دزدی و غارت مدیران و  
سرکوب خواسته های سرحوق ما کارگران  
ندارند... ما بارها و بارها اعلام  
کرده ایم که تنها راه مقابله با دزدیهای  
بی حساب سرمایه داران و عناصر زنگار  
و صدکار گروشا تشکیل هیئت تحقیق کارکنان  
است. هیئت تحقیقی که کلیه مخارج و در  
آمدها و سود حاصل از دسترنج ما را محاسبه

### تبریز

کارگران پیشرو نیز با اعلامیه ای تحت  
عنوان "وطنه های جدید حاکمیت برای سر-  
کوب کارگران را نقش بر آب کنیم" -  
منتشر نموده اند. در قسمتی از این  
اعلامیه چنین آمده است: "بهر روزها  
از طرف مدیرعامل ها و... اعلامیه ها و  
بسیارهای تندیدرتا بلوهای اعلامیه ای  
نصب و با از بندگی های سبب سازی  
از کارخانجات بر علیه کارگران بگوش  
می رسد که اغلب در آن اعلامیه ها، کارگران  
را سدید به اخراج و تسبیخ می نمایند. برای

### تروین

شوراهای واقعی کارگران، چه وظایفی بعهده  
دارند؟ عنوان تراکمی است که کارگران -  
پیشرو کارخانه آذربایجان منتشر نموده  
اند. در این تراکت ضمن توضیح پرورده  
تشکیل شوراها و مقابله دولت سرمایه -  
داران با آنها می نویسد: "ما هد بودیم  
که در همان زمان افرادی نظیر بنی صدر  
شما شورایی شورا سردا دهند و افراد نظیر  
بیشتری و رفسنجانی ز شورا وسیله ای باشند  
تا راحت سراز ما کارگران کار بکنند."

### سویلیش

هواداران سازمان در این شهر در  
قسمتی از اعلامیه ای با عنوان "از خواست  
های سرحوق کارکنان جزء کارخانجات  
کنیم" نوشته اند: "مگر کارکنان جزء کارخانجات  
ها چه می گویند؟ آنها می گویند: ما در رژیم  
گذشته محلت خفقان و جوبلیسی حاکمیم.  
سواستیم تشکیل خود را ایجاد نمائیم.  
در این رژیم نیز عده ای خود را قیم ما -  
کرده و به اصطلاح "کاسه دا غمرازا" شده اند.  
در ادامه ما اعلامیه می خوانیم که: زمستان  
و تابستان روی سگله ها دوندگی کرده اسم

### چهارمحال بختیاری

کارگران پیشرو و هواداران سازمان  
در شهرهای چهارمحال بختیاری، کاشان،  
اصفهان، مشهد و آمل... اعلامیه هایی در  
رابطه با اول ماه مه منتشر نموده اند. در  
این اعلامیه ها سراسر شرح مختصری از تاریخچه  
اول ماه مه به مبارزات کارگران ایران  
در رژیم قبلی و سپس از قیام و چگونگی برگزاری  
این روز در شرایط مختلف پرداخته اند.  
از آنجا که مسائل مطرح شده، ما با بیانی  
و مقالات کار در مورد اول ماه مه می باشد  
نقل یکم از تراکتها اکتفا می کنیم. هواداران

نموده و ما نیز از غارت دسترنج ما توسط  
سرمایه داران و اجانبی آنها می گردید.

کارگران پیشرو کارخانه مکا نیک در  
تراکمی با نام "فقط کارگران حق تعیین  
صلاحیت نمایندگان خود را دارند" -  
می نویسد: "پس از مبارزه بیکر ما برای  
تشکیل شورای انقلابی اکنون با آغاز  
انتخابات شورا، انجمن اسلامی و اداره  
سیاسی - ایدئولوژیک این عوام مسل  
وزانده های حزب جمهوری اسلامی و نوکران  
سرمایه داری می کوشند تا به بهانه تعیین  
صلاحیت کاندیداها کارگران آگاه و مبارز  
را کنار گذاشته و افراد سازشکار و سوسد  
را گروا بسته به خود را بعنوان نماینده  
کارگران به شورا بفرستند." و سپس  
به افشای اعمال سرکوبگران و همچنین  
ویخش سیاسی - ایدئولوژیک پرداخته  
و در خاتمه می نویسد: "ما حق تعیین  
صلاحیت نمایندگان را نداشته و فقط  
فقط ما کارگران حق تعیین صلاحیت  
نمایندگان خود را داریم."

اجرای این سیاستهای ضدکارگری مدیران -  
تصمیم گرفته اند به مسئولین کارخانه که  
همانطور که مظهره های خودشان می باشند،  
اختیارات تام داده دست آنان را در سر -  
کوب و شدت بشینند. به استنما ز کارگران  
با رنگدازند. "و پس از ضرورت اتحاد  
کارگران برای پیشبرد مبارزات و مقابله  
با این اعمال ضدکارگری می نویسد:  
"اکنون زمان آن رسیده است که برای  
رسیدن به خواسته های سرحوق رفاهی (اقتصادی)  
و سیاسی خود بطور بی مان و خستگی پذیر  
برای تشکیل شورا های انقلابی خود مبارزه  
کنیم."

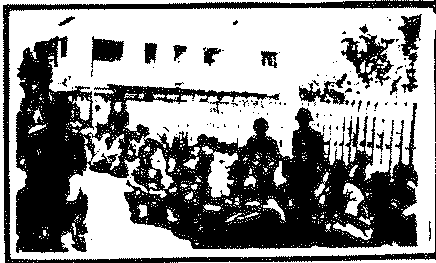
برای همه ما همچون روز روشن است که  
شورای قبلی کارخانه ما که نمایندگان آن  
همگی از عوام سرسپرده مدیران و سرمایه  
داران بودند از همین شورا نبود، نمایند  
گان ترس و خویشا شکار همیشه منافق ما  
را به منافق کارفرمایان فروختند و نسه  
تنها در مقابل ستمهای آنها در مقابلشان  
نا ایستادند بلکه همه جا دست در دست آنها  
و رود روی ما قرار گرفتند. "در ادامه می  
گوید: "دیگر زمان آن رسیده است که  
همگی دست بدست هم دهیم و شورای واقعی  
خود را ایجاد نمائیم."

و توسط همین تجار و سرمایه داران و -  
ما حیوان کارا زها به نکلها می گوناگون -  
استنما رنده ایم. "و سپس خواسته های  
مطرح شده از جانب کارکنان جزء کارخانجات  
را بر شمرده که تعدادی از آنها عبارتند از:  
... ایجاد شورای واقعی کارکنان جزء کارخانجات  
ها جهت دفاع از منافع صنفی - سیاسی  
آنها رسمی شدن کارکنان... لغو تفکیک  
عقاید تحت عنوان مکتبی بودن "و در خاتمه  
می فرماید: "ما حمایت فعال خود را خواسته  
های حق طلبانه فوق متوسط های ضدکارگری  
سرمایه داران و حامیان آنها را در هر  
پوششی افشاء کنیم."

سازمان در چهارمحال بختیاری طی تراکمی  
با تیتر "سگله های سرحوق نشان در کوچه های چهار  
محال نشان از رژیم خونین کارگران دارند"  
می نویسد: "بسیار است اول ماه مه (۱۱  
اردیبهشت) روز جهانی کارگر، هواداران  
سازمان جریکهای فدایشی خلق ایران،  
غروب بی چشمه، در استان چهارمحال در  
بیش از پنجاه در کوچه های محل، به سیاد  
نبرد خونین و دلآوره کارگران در اول  
ماه مه ۱۸۸۶ و بیض شانه همبستگی با مبارزات  
کارگران سراسر جهان آشنا فرود شد" و سپس از  
مردم غوت کرده اند که از نمایشگاه عکسی که به  
مناسبت این روز تیره گردن ترسیدند انشده دیروز



### اجتماع کارگران نیروگاه برق رامین اهواز در مقابل نخست وزیری



یکی از کارگران: تا کارگران بودیم که با امپریالیسم و شاه مبارزه کردیم. حالا اینها (حاکمیت) اینطور ما را سرکوب می کنند.

صبح روز سه شنبه، پنجم خرداد ماه، بیش از ۳۰۰ تن از کارگران شرکت ملی ساختمان، ژنرال مکانیک و تکنو پرفرما سیورت، (در ارتباط با نیروگاه برق رامین اهواز) به نما یندگی حدود ۳ هزار کارگر به تهران آمده و به منظور احقاق حقوق خود و همچنین جلوگیری از خراج خویش، در مقابل نخست وزیری متحصن شدند. به دنبال جنگ نا عا دلانه و خا نما نسوز اخیر، کارهای نفتی و ساختمانی نیروگاه کلا خوابیده. در اوایل دولت ۵۰٪ از حقوق کارگران را پرداخت کرد، اما بعد از آن نه تنها هیچگونه حقوقی به کارگران پرداخت نشد، بلکه دولت تصمیم گرفت آنها را اخراج هم بکند.

یکی از نمایندگان کارگران پیرامون اوضاع کارگران می گفت: با شروع جنگ کارخوا بود ما هم بی کار شدیم. حدود سه ماهی، ۵۰٪ حقوق به ما دادند، اما بعد از آن همین مقدار را هم قطع کردند. ما اقدامات زیادی انجام دادیم، اما هیچ نتیجه ای نداد. تازه بعد از این همه دوندگی و بی پولی کشیدن، تصمیم گرفته اند که اخراجمان هم بکنند. به هر حال بعد از تلاشهای زیاد، به اینجا رسیدیم که خود کارگران به تهران بیایند. البته همه نمی توانستند، فقط ۳۰۰ نفر با قرض و قوله کردن از کارگران دیگر و بی شمایندگی آنها به تهران آمدند.

یکی دیگر از نمایندگان، با قاطعیت می گفت که "ما مصمم هستیم تا گرفتار نتیجه ای مطلوب حرکتیمان را ادامه ندهیم." در این اثنا کارگری از میان جمع گفت: "این ما کارگران بودیم که علیه امپریالیسم و شاه مبارزه کردیم. حالا اینها (حاکمیت) اینطور ما را سرکوب کنند؟ از اوایل جنگ تحمیلی بی کار روی پول هستیم، همدی ما زن و بچه داریم، و البته رویبیا زهم نمی توانیم بخوریم، اینها که عین خالصان نیستند سه سوسه حساب می کنند، نه هم که کار را راه می اندازند."

### پاسخ به سئوالات



در پاسخ به رفقای ایدئولوژیک همانطور که در کارنامه ۷۷ نیز اعلام نمودیم - تحلیل دقیق ماهیت احزاب مختلف در دستور مبارزه ایدئولوژیک قرار دارد و بحث حول دقیق تر کردن ماهیت حزب و تحلیل همه جانبه درسیاستها و ایدئولوژی و پیرویه تشکیل آن به اتمام رسیده است و تحلیل سازمان در این مورد در نبرد خلق منتشر خواهد شد. این تحلیل با بررسی پیرویه تشکیل حزب، سیاستها و... نشان میدهد که حزب جمهوری اسلامی نماینده بورژوازی متوسط تجاری می باشد در این تحلیل جناح بندیهای درونی حزب نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

رفقای هواداران از ادبایحسان، خوزستان، شمال و مشهد، نامه نوشته اند و سؤال کرده اند که چرا سازمان نسبت به حزب دمکرات کردستان موضعگیری نمی کند و ماهیت حزب و چگونگی برخورد کمونیستها با آن را سؤال کرده اند.

در پاسخ به رفقای ایدئولوژیک دهیم که موضعگیری نسبت به حزب - بدون تحلیل کامل ماهیت طبقاتی و سیاستهای آن نمی توانست بطور کامل صورت گیرد و به همین دلیل سازمان تحلیل دقیق ماهیت حزب و چگونگی برخورد کمونیستها با آن را در دستور مبارزه ایدئولوژیک خود قرار داد. دو هم اکنون تحلیل جامع در این مورد تهیه شده است که در آینده در نبرد خلق منتشر خواهد شد.

رفقای پیرویه اندک آ یا انقلاب در ایران شکست خورده است یا نه؟ و نظر سازمان را در این مورد سؤال کرده اند.

ارزیابی سازمان از وضعیت مشخص خود ویژگی اوضاع کنونی، نشان میدهد که علیرغم اینکه پس از سرنگونی رژیم سلطنتی، قدرت دولتی در دست ضد انقلاب قرار گرفت و انقلاب به پیروزی نرسید، اما انقلاب هنوز شکست نخورده است و کشتا کش پس از انقلاب و ضد انقلاب همچنان ادامه دارد و بسیاری دیگر انقلاب در نیمه راه متوقف مانده است. تحلیل کامل در این مورد یعنی ارزیابی انقلاب و خود ویژگی اوضاع کنونی، در نبرد خلق شماره ۳ چاپ خواهد شد.

رفقا در مورد تعریف جنبش کارگری و کمونیستی، مفهوم سائرا لیسیم، نیروهای محرکه انقلاب، تفاوت بین ما و حدا کثر، حداقل و پلان فرم - مسسارزه، دیکتاتور میمورکاتیک خلق، تفاسوت شورای نمایندگان کارگران، شورای کارخانه سؤال کرده اند که در شماره های آینده به آنها پاسخ خواهیم داد.

پس از انتشار سرفقاله کار شماره ۹۹ سئوالات بسیاری از رفقای هوادار دریافت کرده ایم. رفقای در نامه های خویش خواستار توضیحات بیشتر حول مواضع سرفقاله و ارائه تحلیل های تئوریک در این زمینه شده اند و برخی رفقای سؤال کرده اند آیا موضعگیری سازمان در سرفقاله کار ۹۹ با این مسئله که سازمان مسئله انترناسیونالیسم پرولتری را در دستور مبارزه ایدئولوژیک خود قرار خواهد داد مبنایست ندارد؟



با توضیح دهیم که پاسخ تئوریک و همه جانبه به سئوالات رفقای پیش از آنکه مبارزه و بحث ایدئولوژیک به نتیجه قطعی برسد و بدون گردد ممکن نیست چرا که اگر بخواهیم به این سئوالات پاسخ همه جانبه ای بدهیم لازم است که قبلاً "تحلیل های تئوریک حول مسائل فوق به تصویب سازمان برسد."

اما همین جا باید تذکر کنیم که هر چند ارائه تحلیل های کامل در این مورد را به پیشرفت مبارزه ایدئولوژیک درونی موکول کرده ایم، این بمعنی نفی مرز بندی های موجود در این مقاله نیست. اما باید مرز بندی های این مقاله را مورد تأکید سازمان نبوده و موضع سازمانی تلقی میشود. و این مرز بندی ها مبنای بر تحلیل ها و مواضعی است که سازمان در طول بیش از ده سال سابقه فعالیت خود بر اساس آن حرکت کرده است و اکنون در جهت توفیق و ارائه تحلیل همه جانبه تر در این زمینه ها بحث های تئوریک را پیش می برد.

همچنین است تحلیل کامل شعار "مرگ برای امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا و بیگانه داری خلیج" که سازمان ضمن تأکید بر صحت کامل شعار بحث حول تنبیهن های مختلف حول این شعار را در دستور مبارزه ایدئولوژیک (در حقیقت جزئی از بحث حول انترناسیونالیسم پرولتری است) قرار داده است.

نامه های زیادی از رفقای هوادار بدستمان رسیده که درباره ماهیت طبقاتی حزب جمهوری اسلامی سؤال کرده اند و انتقاد کرده اند که چرا سازمان درباره ماهیت طبقاتی این حزب بطور صریح موضعگیری نمی کند بلکه تنها آنرا نماینده بورژوازی متوسط می داند و این مسئله را که نماینده کدام بخش از بورژوازی متوسط است، مشخص نمی کند.

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

صفحه ۱ از صفحه ۱

# در سالگرد تعطیل دانشگاهها مبارزه برای بازگشایی دانشگاهی مردمی، آزاد و شورائی را گسترش دهیم

وسلامتیا ن نیر در سخنان نیش گریزی به  
صحرای کزبلا میزند: "من خودم در آن زمان  
(قبل از حمله به دانشگاه) که میرفتم  
دانشگاه، میدیدم آن چیزی که مطرح نیست  
در محیط دانشگاهی، ... درس است ...  
چیزی که بیش از همه چیز، همه را مسحور  
کرده بود، دعواها و بر خورد های مختلف  
گروهی بود" (انقلاب اسلامی ۶۰/۲/۳۰).

مسئله روشن است دانشگاهی که سنگر  
آزادی و کانون افشاگری میا سته و ضد  
مردمی است، به مذاق لیبرالها خوش  
نمی آید، و از آن جا که گفتن صریح این  
واقعیت مقدور نیست، سلامتیا ن هسا  
دست به تحریف آشکارا زحما ق میزند و  
افشاگری دانشجویان از سیاست یاز  
سازای سرمایه داری وابسته، و سرکوب  
وحشیانه خلق کرد و ترکمن را "دعواها و  
بر خورد های گروهی" قلمداد میکنند و از این راه  
نقش دانشگاه به عنوان کانون مبارزات  
ضد امپریالیستی دموکراتیک را زیر  
سؤال میگیرند.

با توجه به آنچه گفته شد، نقش نیرو  
های انقلابی، بویژه دانشجویان و استادان  
مترقی در پیش برد مبارزه برای باز  
گشایی دانشگاهها بسیار و خطیر است.  
حزب حاکم سرخستانه در مقابل بازگشایی  
مقاومت می کند و در این راه از هیج  
غشونت و جنایتی رویگردان نیست. از  
سوی دیگر لیبرالها میکوشند تا سوار بر  
موجنا رضائی شده باشند، شعاریا زگشایی  
دانشگاه را به حربه ای برای تقویت موضع  
خود بدل کنند و در عین حال رهبری این  
مبارزه ناگزیرا در دست گیرند. در این  
میان دانشجویان و دانشکاهیان انقلابی  
باید با هشاری کامل، ضمن مبارزه بی گبر  
با حاکمیت ضد انقلابی و ارتجاعی عبورند  
شعاریا زگشایی به میان آمده ها، حفظ  
ومرزه های خود را با لیبرالها مشخص کنند و  
گشایش دانشگاهی مردمی، آزاد و  
شورائی را خواستار شوند. و روشنگری  
آشکار و مقتضی سیاست دانشگاهی  
ساخته است. آنچه که باید انجام شود،

دانشگاهها و شرایط کنونی جامعه، آشکار  
بشود. تعطیل دانشگاهها، نه به دلیل  
ادعاهای عوام فریبانه ضد انقلاب حاکم  
مسئله تحول نظام آموزشی و انقلاب -  
فرهنگی، بلکه در راستای سرکوب آزادیهای  
دموکراتیک و تحکیم پیوندهای وابستگی  
صورت گرفت. دانشگاهها، به مثابه یکی  
از کانونهای پر شور مبارزات ضد  
امپریالیستی - دموکراتیک و مراکز  
افشاگری سیاست های ضد مردمی، خاری در  
چشم حاکمیت بودند و به همین دلیل مسی  
با بست سرکوب شوند. و این ضرورت هم  
چنان - و اینک بیش از گذشته برای  
سردمداران حزب مطرح است. مگر می توان  
دانشگاهها را کشود و انتظار آراش در  
مقابل انعقاد قرارداد ملیا در دلای کامپانی  
تالیوتها داشت؟ مگر دانشجویان انقلابی  
در برابر رگشتر و شکنجه انقلابیون، که  
اینک به رویدادی روزمره بدل شده، ساکت  
می نشینند؟ مگر دانشجویان که در سخت  
ترین شرایط فقان و زیر سایه شوم  
ساواک با رژیم وابسته مبارزه میکردند،  
اینک برتداوم استعمار و تشییع سلطه  
امپریالیزم چشم می بندند؟ حزب با سخ  
همه این سؤالات را از پیش میداند، و  
این است که علیرغم تعهدات نورو صفتانه  
حزب توده میهنی بر "تضمین آرا مشد دانشگاه"  
چنین آرا مشرا در انق نمی بیند و با  
گشایی دانشگاهها را صلاح نمی پندارد.

دانشجویان و دانش آموزان هواداریا  
با اتحاد عمل با کلیه نیروهای انقلابی  
و مترقی که مبارزات خود را تنها با اتکا  
به توده ها به پیش میبرند، به آگاهی  
بیشتر مردم در باره مسئله دانشگاهها و  
هدایت آنها در مبارزه برای بازگشایی  
آن همت گمارند.

از سوی دیگر، لیبرالها که در جریان  
حمله به دانشگاهها بر روی موج پدیدند  
و بورژوازی و بورژوازی و چماقداران را، با  
دورا ندیشی کامل، به حرکتی نظام یافته و  
منسجم در جهت "سیاست زدایی" دانشگاه  
و تخلیه دفاتر دانشجوئی بدل کردند،  
اکنون منافق خود را در باره زگشایی دانشگاه  
می بینند.

با همه این احوال، لیبرالها هیچگاه  
در توصیف دقیق دانشگاهی که خواستار  
بازگشایی آندکوتاه می میکنند، دانشگاه  
مطلوب آندان دانشگاهی است "تخصصی ز"  
"گادرپرور"، "غیرسیاسی" و سربراه. در  
نقطه افتتاحتیاه سمینار "سرری بحران  
دانشگاهها و مدارسی عالی" که از جانب  
"دفترهما هنگی" برگزار شد، بنی صدر  
نشانهای یاد دانشگاه مورد علاقه اش را میدهد:  
دانشگاههایی که "دانشگاه" است، یعنی  
"محل دانش است... اگر دانشگاه دفاتر  
اجزاب و گروههای سیاسی شد، دیگر  
دانشگاه نیست" (انقلاب اسلامی ۶۰/۲/۱۴)

سیاست دانشگاهی خود را رنگینا زه میرند  
و این ضروری است که نه تنها بدلسل  
ورشکستگی آشکار "انقلاب فرهنگی" و فشار  
توده ها، بلکه در عین حال با مخالفت خوانی  
لیبرالها و سبه جاک دارها نشان برای  
تخصم و علم، به جناحی کم تحمل میشود.  
آیت الله خمینی در بخشی از بیام نوروزی  
امسال خود چنین میگوید: "شورای انقلاب  
فرهنگی لازم است با کوشش فراوان و افزایش  
گروههای سعه و متخصص کار خود را به  
نتیجه رسانده و در باره زدن دانشگاهها در  
این سال خدا علی توان خود را آشکار  
برند. بدنیال این پیام، سران جمهوری  
اسلامی، هر یک به گونه ای مضمون آن را  
تکرار کرده و لزوما بازگشایی دانشگاهها  
را، البته با شرط و شروطی، طرح میکنند. با  
نزدیک شدن اول اردیبهشت، سالگرد  
یورش خونین جماقداران و ویاش به  
سنگرها و آزادی، این زمزمه با لامیگیرد.  
اما حقیقت چیز دیگری است. جناحی کم  
تنها به شکل تازه ای از سیاست سرکوب و  
فشار بر روی ورده و محتوا همان است که بود.  
- وحشت رژیم از حرکت دانشجویان  
انقلابی در سالروز گشتر دانشگاه، جرخش  
ظاهری از ضروریها ساخت. و این بود که رژیم  
با طرح شعاریا زگشایی، و نشان دادن "در -  
باغسیر"، کوشید تا مسئله دانشگاهها را -  
خاموشیافته قلمداد کرده و زمینه توده ای  
حرکت دانشجویان در روز موعود را از میان  
ببرد.

پس از اول اردیبهشت و "رفع خطر"  
فاز دوم سیاست "جدید" آغاز شد. شرط و  
شروط به میان آمد، و مشخص شد دانشگاهی  
که با بدیدنهایش بود و چیز کمتر از آن  
رضانند، مورد تائید قرار گرفت. آیت  
الله بهشتی در مصاحبه مطبوعاتی خود  
چنین میگوید: "مسئله تلاش برای شروع  
کار دانشگاهها برپا به اصل انقلاب فرهنگی  
یک تلاش واجب است. این چیزی است که  
همه میخواهند و هموار روی نیا کید شده  
است. و اما اینکه تحت تاثیر این فشارها  
بدون رعایت معیارهای انقلاب فرهنگی  
گاردی در جهت بازگشایی دانشگاهها صورت  
بگیرد، این صورت نخواهد گرفت و ملت  
مادر ایران این تلاشهای مذبذبا کننده  
ایستاده اند" (جمهوری اسلامی روزنامه پهنه)

تائید از ما است. همین مضمون از زبان  
خامنه ای آیت الله مشکینی، دکتر شریعتمداری و  
چندتا شخص و سازمان وابسته به حزب نیز  
"قاطعانه" خورد تا کید قرار میگبورد.  
همه اینها نشان میدهد که سردمداران -  
حزب که دانشگاهها را از "بیب خوشه ای -  
خطراتک تر میداند نند نه نمایی به باز -  
گشایی دانشگاهها دارند (پلورشته ها شی  
را که سخت بدان نیازمندند چون تربیت  
معلم و پزشک)  
و نه  
به سادگی بدان رضا خواهند داد. این  
واقعیت با تعمق در علل واقعی تعطیل



# نگاهی به ۱۵ خرداد ۴۲

در تاریخ مبارزات مسلحانه امپریالیستی - دموکراتیک، روز ۱۵ خرداد با وجود پیروزی‌های ایدارد، ده سال پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد علی‌سره حکومت دکترا مصدق، به دنبال بروز شدت بحران اقتصادی سالهای ۳۸ - ۴۱ و آغاز اجرای اصلاحات امپریالیستی تحت عنوان "انقلاب شاه و ملت"، توده‌های زحمتکش در برابر رژیم ارتجاعی شاه دست به عملیاتی خوبین زدند. حقیقت اینست که اصلاحات امپریالیستی، که به منظور ادغام هر چه بیشتر و عمیقتر جامعه ایران در نظام جهانی سرمایه صورت می‌گرفت، نتوانسته بود طبقات و اقشار اصلی جامعه ما، یعنی کارگران و دهقانان و روشنفکران را تا مدتی بفریاد و سرگردان سازد. روشنفکران جامعه ما از طریق بدگمانی متزلزل‌نیز علیه ملی‌گرایان "اصلاحات ارضی آری، دیکتاتور شاهانه" را که مبین توهم آنان نسبت به امکان اجرای اصلاحات ارضی دموکراتیک بود مطرح ساختند.

در روز ۱۵ خرداد ۴۲ توده‌های خلقی از اقشار رعیانی و تا پائین ترین اقشار جامعه بی‌بهره از رهبری انقلابی منظور ایران مخالفت با رژیم شاه و اعتراض به توقیف آیت الله خمینی زیر نفوذ بازاریان نمودند. از آن رو که نیونی که عمدتاً "از دیدگاه‌های ارتجاعی عقب مانده" با اصلاحات شاه مخالفت داشتند، به مخالفت راهبیمانی اعتراضی علیه رژیم شاه پرداختند. حقیقت این است که توده‌های متشکله کارگران و نیروهای سیاسی رهبری آنان حضور نداشته‌اند، حتی معدود عناصری که زیر لوای رهبران جنبه ملی و نهضت آزادی رژیم شاه را نشان دادند، رهبری برای اعتراض علیه رژیم امپریالیستی و پال گردنشان شود از اینکه از چهار ماه پیش در با زداشت بسر می‌بردند، چه بسا خوشحال بودند!

رژیم در مقابل با حرکات و نظرات مردم طرف چند ساعت در تهران و سایر شهرها، هزاران نفر از زحمتکشان میهن ما را به خاک و خون کشید. حقیقت این است که توده مردم عساکر زده در ۱۵ خرداد آماج تندی برای هر نوع مبارزه علیه رژیم وابسته امپریالیسم بروز دادند، اما هنوز سازمان‌های انقلابی که بتوانند بی‌انگاز و رهبر خواسته‌ای نبوده باشند شکل نگرفته بودند. از این رو بود که رژیم پس از ریختن خون هزاران مبارز خود را نگیخته بخصوص با تا کید بر جنبه‌های ارتجاعی خواسته‌های رهبری آن، به توجیه و پیگیری اصلاحات خویش پرداخت و مضمون ترا پیش در راه وابسته‌سازی ایران به اردوی - جها نسرمایه گام برداشت.

حقیقت این است که بخش‌های مختلف روحانییت به دلائل گوناگون با رژیم شاه مخالفت شده بودند. بخشی از آن به این خاطر که رژیم ارضی مستقیماً "به منافع آنان در زمینه برزگملا لکوی ملاک اوقاف اش به امپریالیسم است شکست حرکت ۱۵ خرداد که چهار ماه پس از فروردین دوم ششم بهمن صورت می‌گرفت، رژیم را در اجرای رژیم امپریالیستی

و سرکوب خلق پیگیر تر کرد. این شکست و ریختن خون هزاران مبارز، نشان داد که امپریالیسم در پیشبرد مقاصد خود از هیچ جنایتی رویگردان نیست. شاه مدطم همین "پیروزی" رژیم بود که وی را وادار کرد تا تکرار آن در ۱۷ شهریور ۵۷، کشتی طوفان زده خود را از خطر براه اندازد. لیکن این بار توده مضم و مبارزه وسیع و شدت - ایضا دبحران و ناتوانی از اجرای رژیم - های اقتصادی، او را با شکست مواجه کرد.

حقیقت امروز آن است که کمابیش همان عوامل و نیروها که رهبری ۱۵ خرداد را بدست داشتند، در جریان قیام ۲۲ بهمن ۵۷، البته در شرایطی متفاوت موفق شدند قدرت را به نام مردم و در عمل علیه آنها در دست بگیرند. تجربه زنده دوسال و نندی حکومت جمهوری اسلامی که خود را در غیاب رهبری انقلابی مضم و یکپارچه بر موج زیا ن می‌زد، و همچنین به این خاطر که این اقدام، همچون سایر اقدامات رژیم پس از کودتا، نفوذ سیاسی روحانییت را به خود قدرت سیاسی بورژوازی وابسته کاهش می‌داد و بخشی دیگر علاوه بر دفاع از مصالح صنفی و قشری، به دیکتاتور رژیم که جنبش ملی را خفه می‌کرد معترض بودند. بخش عمده - این روحانیون از کسانی بودند که - کودتای ۲۸ مرداد به دستا ویزاین گسه را را بر نفوذ کمونیسم دگر کرده است. مستقیم و غیر مستقیم آن را تا ناید کردند.

حقیقت این است که توده‌های زحمتکش و تحت ستم در بزرگترین نظاهرات - رژیم پس از مرداد ۲۲، فاقد رهبران انقلابی بودند و بی‌انگاز این جنبش اساساً، جنبش خود را نگیخته بود. فقدان سازماندهی توده‌ها و فقدان رهبری انقلابی و برتری نظامی دشمن موجب شد که توده‌ها در - مصافی تا برای برسی آنکه مستقیم - دستاوردی داشته باشند، برخاک بیفتند و شکست کوفتی شد برای پیروزی در کثورت، مبارزه مسلحانه، بی‌انگاز میا زده‌ها را رما نبقا تونی همرا به بسا تجربه‌های جها ندر کوبا، الجزایر و غیره زمینه‌ساز درک ضرورت ایجاد سازمانهای انقلابی چون سازمان چریکهای فدائی خلق و سازمان مجاهدین خلق و دهها گروه کوچک و بزرگ دیگر شد و این همه حاصل جمع بندی سازمانها مبارزه در عرصه ملی و جهانی و همچنین تجربه ۱۵ خرداد و نظایر آن در ذهن روشنفکران انقلابی میهن ما است.

در آنچه به نقش آیت الله خمینی در ۱۵ خرداد مربوط می‌شود باید نکات تیرا تصریح کرد. در واقع نظاهرات ۱۵ خرداد با سخنی بود از جانب توده‌های خرد بورژوازی دارای - گرایشهای مذهبی علیه توقیف آیت الله خمینی در شب ۱۲ محرم آیت الله خمینی نخستین کسی بود که با اعلام عید سال ۴۲ به عنوان عزاء، به خاطر "رفرا دوم مفتاح" بهمن ۱۳۴۱، صراحتاً "به رژیم شاه اعلام جنگ کرده بود. اما از یاد نمی‌بریم که وی نیز به خاطر اصلاحات ارضی که می‌خواست - تجارت و زراعت را از زمین ببرد، می‌خواست شرونها را تمام کند، (از نطق ۱۳ خرداد

## زحمتکشان مشهدی بار دیگر نشان دادند که: قدرت زحمتکشان تنها

### در اتحادشان نهفته است

زحمتکشان کوی سحس و لسور خاطر تحقق خواسته‌های رخصان با سن حاده دولت را محصور به رسدگی به حواسها - بیان کرده و بدین طریق نشان دادند که قدرت زحمتکشان تنها در اتحادشان نهفته است.

مدتها بود که شهرداری مشهد که از جفرکانال کوی سحس والتیور را نیمه تمام رها کرده بود، اها لی منطقه برای تمام کارکانال و همچنین اسفالت جاده و بوق و اتوبوس و احداث راه‌ها به شهرداری و سایر ادارات دولتی مراجعه کردند ولی هر بار درخواستها را به سرکارها و وعده و وعده می‌دادند. بدینال این مسئله زحمتکشان این منطقه چاره کار را در اتحاد دو عمل مستقیم خود دیده و بسا بستن جاده و دادن شعار تا بولدوزر - نیا مده‌ها در راه را زنی کنیم" فریاد اعتراض خود را بگوش زحمتکشان رساندند.

شهرداری جمهوری اسلامی به تیره همیشگی خود گوشید با فرستادن ژندار مهسا و پاسداران فریاد زحمتکشان را در گلسو خفه کند ولی وقتی با اتحاد دو مقام مست زحمتکشان مواجه شد، مجبور شد عقب نشینی کرده و بولدوزر را برای تمام کانال بفرستد. در همین رابطه هواداران - سازمان در مشهد در اعلامیه ای بنا ریخ بیست و سوم اردیبهشت ضمن شرح ماجرا و افشای ماهیت حاکمیت، از خواسته‌های برحق زحمتکشان این منطقه پشتیبانی کردند.

(۴۲) و به خاطر آن فروردین دوم غلط، آن فروردین دوم مفتاح و برخلاف مصالح ملت ایران "به دنبال اعتراض علیه" تمویب نامه‌های غیرقانونی، "اعطای - حق رای به زنان" در این جنبش مشارکت داشت. اما وی در نطقها پس از زندان و تبعید انکار کرده بود که با نفس اصلاحات مخالفتی ندارد. او با "خواستار آزادی است و مخالفتش با دیکتاتور رژیم و سر جنبش توده‌ها سوار کرد، فرصت تاریخی مناسبی است برای دژک این که توده‌ها برای پیشبرد مقاصد انقلابی خویش به رهبری انقلابی نیا زدا رند. در پرتو تحلیل این تجربه و شناخت اجزاء متشکله، قیام ۱۵ خرداد و تفکیک انگیزه‌های "رهبری" از انگیزه‌های خود جوئی توده‌هاست که میتوان از قید توهمات نسبت به ظرفیت انقلابی روحانییت و نمایندگان سرمایه تجاری‌ها شد، این نیز درسی است که توده‌ها به بهای گران آموختند، در پرتو تحلیل سرنوشت قیام بهمن روشن می‌گردد که ضرورت پیوند کارگان میان رهبری انقلابی و توده‌های کارگران و دهقانان، زحمتکشان و روشنفکران، همچنان در دستور روز قرار دارد و جزا طریق تحقق این ضرورت نیست که انقلاب به پیروزی نهایش نائل آید.

با شهیدای خلق اگر می‌دانیم و بر پیمان خود استواریم که به خواسته‌های انقلابی توده‌ها جامعه عمل پیوسته کنیم



## افشای اسناد مربوط به توطئه سرکوب سازمانها و گروههای سیاسی

۱۵ روزه مهلت (طلوگیری از برخواستن) حزب الله یا گروه های مسلح و واگذاری آن به مسئولین).

۵- بلافاصله پس از اعلام دادستانی موج وسیع حمایت دولت و کلیه نهادها و گروههای خط امامی از این حرکت (طبی مباحیه، اعلامیه، نماز جمعه...) تحت مسئولیت آقای زنگنه معا روزی را شاد. همزمان با این تبلیغات وسیع که هدف آن فراهم کردن زمینه اجتماعی جهت سر خوردن سازمانها و گروههای سیاسی است شناسائی و بنا زدشت اعضاء سازمانهای سیاسی آغاز می شود. رژیم برای شناسائی و سرکوب نیروهای انقلابی علاوه بر ارگانهای رسمی مادی و معنوی سرکوب خود از بنیادهای تروریست موسوم بحزب الله نیز در این زمینه استفاده خواهد کرد. در همین سندی به رابطه حزب الله و دولت اشاره شده است و بر خورد حزب الله با گروهها و سازمانهای انقلابی به بعد از مهلت ۱۵ روزه محول شده است. اطلاعاتی ها ئی که اخیرا از سوی تروریست های حزب اللهی منتشر می شود، نیز این مسئله را تأیید می کند. در این اطلاعاتی ها بر خورد های وسیع حزب الله به تصویب لایحه مذکور و فرمان آیت الله خمینی موصول شده است. (ما در زیر یک نمونه از این اطلاعاتی ها را نیز به همراه این سند منعکس می کنیم). پس از اجرای این مراحل بقول خودشان دستگیرشدگان یا شش مجازات می رسند.

این خلاصه ایست از طرح توطئه ای که رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب سازمانها و گروههای انقلابی تدارک دیده است.

با دقت در این طرح روشن می شود که علاوه بر اقدامات حساب شده و سیستماتیک برای سرکوب سازمانهای انقلابی، شیوه ای ریاکارانه در تقسیم بندی گروهها استفاده شده است و هدف آن از یکسو اغتشاش فکری در میان توده های مردم و از سوی دیگر شکاف افتادختن در میان سازمانهای انقلابی است.

فی المثل در دسته اول دارو دسته ارتجاعی زرگاری را که تاکنون سازمانهای انقلابی کردستان مکرر نیروهای آنرا سرکوب کرده اند و اساسا نقش هم در کردستان و در میان توده های خلق کشور ندارد، در کنار نیروهای انقلابی ذکر شده است تا در ذهن توده های مردم آشفته فکری و شک و شبیه ایجاد کند.

ثانیا کوشیده است که با تقسیم بندی سازمانهای انقلابی به گروههای متخاصم با لعل و با لقوه ابتدا به سرکوب بخشی از سازمانهای انقلابی بپردازد و سپس از آن سرکوب دسته دوم را آغاز کند.

ثالثا می سند و شیوه های توطئه گرانه آن که به طرح یک کودتا شیشه است، پیش

از روز دیگر ترکیبی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای خود مبنی بر سلب حقوق و آزادیهای سیاسی توده ها، تلاشهای گسترده ای را در جهت سرکوب سازمانها و گروههای انقلابی آغاز کرده است.

اطلاعی ده ماده ای دادستان کل انقلاب و لایحه مربوط به فعالیت گروهها و سازمانهای سیاسی که برای تصویب به مجلس فرستاده شده است، سرآغاز این مقدمات سرکوبگرانه محسوب می شود.

سند محرمانه ای که در زیر افشامی شود با شکارترین وجهی نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی طرح یک توطئه جنایتبار را علیه گروهها و سازمانهای سیاسی تدارک دیده است و می کوشد با یک برنامه حساب شده و کامیاب توطئه خود را عملی سازد.

اسناد نشان می دهد که خطوط کلی این توطئه در تاریخ ۵۹/۱۱/۹ و ۵۹/۱۱/۱۱ - تصویب جمعی از دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی از جمله وزیر کشور و دادستان کل کشور، دادستان انقلاب، فرمانده سپاه پاسداران، وزارت ارشاد

ملی، مسئولین اطلاعاتی و امنیتی، شهر با نی، کمیته ها، زندانها و... رسیده است. بر طبق این سند قرار بوده است که طرح توطئه سرکوب سازمانهای انقلابی با برنامه حساب شده انجام گیرد. آغاز این توطئه با صدور یک اطلاعیه از جانب دادستان انقلاب آغاز می گردد. در این اطلاعیه به سازمانهای انقلابی اخطار می شود که طی پانزده روز سلاحهای خود را به سپاه پاسداران و کمیته ها تحویل دهند.

روشن است که هدف رژیم جمهوری اسلامی از این اطلاعیه توجیه قانونی برای سرکوب بعدی است. بنا بر این همزمان با این اطلاعیه و حتی پیش از آن تبلیغات وسیع گسترده ای را علیه سازمانهای انقلابی آغاز می کند. در این سند گفته شده است:

"قبل و بعد از اعلام دادستانی فعالیت تبلیغاتی وسیع تحت مسئولیت سرار در زنگنه معاون وزیر ارشاد جهت منظور به شرح ذیل انجام خواهد شد:

الف - فراهم شدن زمینه اجتماعی جهت برخورد با این سازمانها و گروهها (تأکید از ما ست)

ب - مشخص کردن گروههای متخاصم مسلح با لعل

ج - ممانعت از هرگونه برخورد گروههای مردمی (بخوان تروریست های حزب اللهی) با این سازمانها و گروهها در مدت

از پیش ما هیت ضد انقلابی، ارتجاعی و شیوه های توطئه گرانه و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را نشان می دهد.

با افشای این سند زحمتگشان میهن ما با یدهوشیا ربا شدند و بدانند که چنانچه رژیم جمهوری اسلامی امکان یا بد، این شیوه های توطئه گرانه و ضد انقلابی خود را کامیاب نگام عملی می سازد و پس از گذشت مدتی چند، همانند دوران رژیم شاه، حکومت سرنیزه و اختناق به خلق ایران تحمیل خواهد شد.

رژیم جمهوری اسلامی سرکوب سازمانهای انقلابی را هدف فوری و بلاواسطه خود قرار داده است و این امر از ماهیت ضد مردمی این رژیم ناشی می شود. زیرا رژیمی که برخلاف منافع و مصالح توده ها کام بردارد، رژیمی که خیانت به خلق را پیشه خود سازد، نمیتواند به سازمانها و گروههای انقلابی که از منافع توده ها دفاع می کنند، اجازه فعالیت علنی بدهد.

چگونه ممکن است رژیم که امروز رسوایی ربا تجارت کرده است که بی پروای امپریالیستها قرار داده های اسارت بار منعقد می کند، رژیمی که با انحصارات امپریالیستی نظیر ملیت، کروب، میتسوبیشی و... زده و بند می کند، رژیمی که نفت را در دست در اختیار انحصارات آمریکائی، انگلیسی و فرانسوی قرار داده است، رژیمی که در هر هفته چند کشتی اسلحه و مهمات از آمریکا وارد می کند، رژیمی که مردم را بیفرسویه روزی کشانده و جزیدختی، بیگاری و آوارگی شمره ای برای مردم نداشته است، اجازه فعالیت علنی به سازمانها و گروههای انقلابی بدهد؟

رژیم جمهوری اسلامی بخوبی میداند که این سازمانها، تمامی این سیاستهای ضد انقلابی و ارتجاعی رژیم را از توده های مردم آفشا خواهند کرد. بنا بر این می کوشد تا با منع فعالیت علنی آنها، ببرد فعالیت افشاگرانه آنها را محدود کند. رژیم تنها با سازمانها و گروههای اجازه فعالیت علنی می دهد که بر سیاستهای ضد مردمی آن مهر تأیید بزنند. طبیعی است که این سازمانها نظیر حزب توده، جبهه ملی، اکثریت، ورتخیران همسان گروهها ئی هستند که تاکنون خیانتشان بخلق و توده های مردم مکرر با شیوات رسیده است. اما رژیم جمهوری اسلامی باید مطمئن باشد که توده های زحمتکش میهن ما اکنون با آن درجه از آگاهی رسیده اند که اجازه ندهند، این بار رژیم جمهوری اسلامی همان سیاستهای رژیم گذشته را دنبال کند.

توده های زحمتکش میهن ما در مقابل سیاستهای توطئه گرانه و سرکوبگرانه

نصفه در صفحه ۸

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد

# افشای اسناد مربوط

## به توطئه...

نسخه از صفحه ۷

رژیم علیه نیروهای انقلابی خواهند ایستاد و سازمانهای انقلابی نیز استوار و بیگیربسیار زه خود ادامه خواهند داد. رژیم جمهوری اسلامی باید از گذشته درس گرفته باشد و بداند که ما سرکوبهای دوران رژیم شاه را از سر گذرانده ایم، رفقای ما در کوران مبارزه سرکوب و زندگی، در شکنجهگاهها و زندانهای رژیم آریا مهربی آبدیده شده اند. مدارس بهترین روزهای تاریخ ایران در سالهایی که دیکتاتوری عنان کسبخته رژیم شاه بر سر میهن ما حاکم شده بود، بمباران زه مسلحانه علیه این رژیم برخاستیم. ما همسازان فدائیان خلق هستیم و امروز نیز فدا داریم تحت هر شرایطی بمباران زه خود ادامه دهیم. توطئه های رژیم جمهوری اسلامی را خشنی کنیم و از منافع کارگران و زحمتکشان دفاع نمائیم.

### متن اسناد

بسم الله الرحمن الرحيم

صور تجلیه کلی، جلسه هماهنگی مقابله با احزاب و گروههای ضد انقلاب، حاضرین در جلسه اول ۵۹/۱۱/۹ - ساعت ۱۶ الی ۲۰/۳۰.

- \* آقای مهدوی کنی وزیر کشور و سرپرست کمیته
- \* آقای باقر کنی، مسئول کمیته مرکز
- \* آقای موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور
- \* آقای مرتضی رضاشی، فرمانده سپاه پاسداران
- \* آقای قدوسی، دادستان انقلاب
- \* آقای زنگنه، معاون وزیر ارشاد
- \* آقای میرعلیم، سرپرست شهربان
- \* آقای بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرائی
- \* آقای محسن سازگارا، معاون سیاسی وزیر مشاور
- \* آقای علی قوچکانلو، مسئول واحد احزاب و گروهها معاونت سیاسی وزیر مشاور
- \* آقای نصرالله جهانگرد، مسئول بخش تحقیقات واحد احزاب و گروهها معاونت سیاسی

حاضرین در جلسه دوم ۵۹/۱۱/۱۱ ساعت ۱۶ الی ۱۹

- \* آقای مهدوی کنی، وزیر کشور و سرپرست کمیته
- \* آقای باقر کنی، مسئول کمیته مرکز
- \* آقای موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور
- \* آقای صفر لاجی، فرمانده ستاد سپاه پاسداران
- \* آقای قدوسی، دادستان انقلاب
- \* آقای زنگنه، معاون وزیر ارشاد
- \* آقای حسین غفاری، عضو شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
- \* آقای لاجوردی، دادستان انقلاب تهران
- \* آقای کجوشی، مسول زندان اوین
- \* آقای خسرو تهرانی، معاون اطلاعات و امنیت نخست وزیر
- \* آقای جزایری، مدیر کل سیاسی وزارت کشور
- \* آقای بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرائی
- \* آقای علی قوچکانلو، مسئول واحد احزاب و گروهها معاونت سیاسی وزیر مشاور
- \* آقای جهانگرد، مسئول بخش تحقیقات احزاب

و گروهها معاونت سیاسی وزیر مشاور در ابتدا ای جلسه، دستور جلسه توسط آقای نبوی مسئول جلسه اعلام شد و بنا به تصویب اعضای جلسه قرار شد مذاقی دسته چهارم (گروههای متخاصم، گروههای ثقی که خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند) و دسته سوم (گروههای مخالف گروهها) که با این رژیم مخالف هستند و لی خواهان سرنگونی رژیم از راههای مسلحانه در حال حاضر نیستند) بحث شد.

طبق تصویب جلسه دسته چهارم به دو بخش گروههای متخاصم مسلح با لفظ (کلیه) گروههای ثقی که خواهان سرنگونی رژیم هستند و برای این منظور دست به اسلحه برده اند و علیه نظام مبارزه مسلحانه میکنند) و گروههای متخاصم با لفظ (کلیه) گروههای ثقی که در حال حاضر بنا به عللی هنوز علیه نظام جمهوری اسلحه بکار نبرده اند ولی بهر جهت در صورت لزوم چنین کاری خواهند کرد) تقسیم شدند که مصادیق آن به این ترتیب مورد تصویب جلسه قرار گرفت:

دسته چهارم گروههای متخاصم:

الف - گروههای متخاصم بالفعل عبارتند از:

- ۱- حزب دمکرات (جناب قاسملو)
- ۲- کوموله
- ۳- سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
- ۴- رزق ساری
- ۵- چریکهای فدائی (اقلیت)
- ۶- فدائیان خلق (اشرف دهقانی)

ب - گروههای متخاصم بالقوه عبارتند از:

- ۱- سازمان مجاهدین خلق ایران
- ۲- چریکهای فدائی مستقل
- ۳- رزمندگان راه کارگر
- ۴- آرمان مستقیمین
- ۵- راه کارگر (علی اصغریزیدی)

و مصادیق دسته سوم به این شرح تصویب گردید:

- ۱- حزب توده
- ۲- سازمان چریکهای فدائی (اکثریت)
- ۳- رنجبران
- ۴- حزب دمکرات طرفدار کنگره چهار (جناب غنی بلوریان)
- ۵- جنبه ملی

سیس جلسه در مورد چگونگی برخورد با این گروهها وارد بحث شد.

پس از دو جلسه بحث مواد زیر به تصویب رسید:

۱- طی اطلاعیه ای که از سوی دادستان انقلاب ما در میگردید به کلیه گروههای مسلح که علیه نظام جمهوری اسلامی اسلحه کشیده اند مهلت داده میشود که اسلحه های خود را به مراکز سپاه و کمیته تحویل دهند و متعهد گردند تا پس از این در چهار چوب قانون اساسی و قوانین جاری مملکت به فعالیت خود ادامه دهند.

۲- در صورت عدم تحویل سلاح گروههای مسلح، غیرقانونی اعلام و با آتشیان بشدت مقابله خواهد شد.

۳- قبل از اعلام یا زده روزه سپاه و کمیته تحت سرپرستی برادر تهرانیسی معاون اطلاعاتی نخست وزیر کلیه سران گروههای متخاصم مسلح بالفعل شناسایی و دستگیر شوند و مهلت در زندان خواهند داشت تا رسماً اعلام نمایند که دیگر دست به اسلحه نخواهند برد.

۴- قبل و بعد از اعلام دادستانسی فعالیت تبلیغاتی وسیع تحت مسئولیت برادر زنگنه معاون وزیر ارشاد جهت

سه منظور به شرح ذیل انجام خواهد شد:

الف - فراهم شدن زمینه اجتماعی جهت برخورد با این سازمانها و گروهها.

ب - مشخص کردن گروههای متخاصم مسلح بالفعل.

ج - معاضت از هرگونه برخورد گروههای مردمی با این سازمانها و گروهها در مدت ۱۵ روزه مهلت (جلوگیری از برخورد حزب الله با گروههای مسلح و واگذاری آن به مسئولین).

۵- بلافاصله پس از اعلام دادستانی موج وسیع حمایت دولت و کلیه نهادها و گروههای خط امامی از این حرکت (طی مناخه و اعلامیه و نماز جمعه و...) تحت مسئولیت آقای زنگنه معاون وزیر ارشاد.

۶- پس از سرآمدن مدت مهلت، بشدت تمام کلیه سران و کادرهای سازمان دستگیر و محاکمه و به اشد مجازات برسند و حتی کلیه محاکمه و به درجین قتل و روش روزنامه، بیخشن اعلامیه و بیلاکارت و بیاهرگونه فعالیت به نفع این گروهها دستگیر و در جهت ارشاد مجازات شوند.

۷- محاکمات اینها باید علنی باشد.

۸- طی اطلاعیه وزارت کشور اعلام نماید به علت شرایط فعلی جامعه (مسالسه جنگ) هیچ حزب و گروهی اجازه نظاهرات و میتینگ ندارند.

۹- طی برنامه وسیع تبلیغاتی تحت مسئولیت برادر زنگنه شهید با احزاب متخاصم مسلح با لفظ (چون سازمان مجاهدین خلق) برخورد و پیشگیری و سیاسی نماید و پس از مدتی کوتاه آنها را دعوت به مناظره نماید (بخصوص از طریق رادیو و تلویزیون).

۱۰- طی برنامه های وسیع و روشن مردم از هرگونه برخورد با این سازمانها (بخصوص مجاهدین خلق) بر حذر دارند و روشن کنند که حفظ موجودیت اینها در این گونه برخوردها است و عمدتاً خود این گروهها خواهان چنین برخوردهایی هستند (در صورت لزوم از نیروی مردم استفاده خواهد شد).

۱۱- وزارت ارشاد اعلام نماید کلیه سازمانها و احزاب جهت داشتن روزنامه و نشریه آزادند منوط به داشتن اجازه از سوی وزارت ارشاد.

۱۲- دادستان انقلاب سعی کند حتی المقدور کمتر مهلت درت به دستگیری سمپاهای این سازمانها بخصوص (مجاهدین خلق) نماید و زندانیان فعلی هم که اکثراً در رابطه با روزنامه فروشی و بیخشن اعلامیه و... دستگیر شده اند به نحوی آزاد نماید (البته پس از تکمیل پرونده).

۱۳- کلیه شرکت کنندگان در جلسه متعهد شده اند از هرگونه اقدام خارج از چهارچوب تصویب شده در جلسه مزبور جداً خودداری کنند.

۱۴- دفتر وزیر مشاور موظف گردید که مصوبات جلسه را جهت امضاء کلیه شرکت کنندگان ارسال و حرکت کلی عملی را تعقیب نماید.

۱۵- کلیه مطالب مطروحه در جلسه محرمانه تلقی میگردد و کلیه شرکت کنندگان موظف به رعایت آن میباشند.

والسلام  
اصل اسناد  
در صفحه مقابل ۵۹/۱۱/۱۱





# مردم ایران لایحه قصاص را که تبلور دوران بربریت و توحش است به زباله دان تاریخ خواهند افکند

طرح لایحه قصاص از حاکمیت حاکمیت و جسم اندازی که در سورس به حقوق اندازی مردم ایران بدست مبدع آبخان نظیر مردم را بخود جلب کرده است که حرشست منسوان گفتار آبخان حکومت جمهوری اسلامی کسر لایحه با قانونی وجود داشته که با اسناد اداره افسار و طبعات مردم نسبت به آن حساسیت و عکس العمل نشان داده باشد. در عین حال مضمون محتوای اربحایی اس لایحه و مخالفهای مردم با آن آبخان است که حاکمیت هم موضع قوی و فاضل سیاسی در مجال آن ندارد و در واقع در حالت تدافعی قرار دارد. از آنجا که یک مبارزه فاعل و پیروزمند برای رد و طرد این لایحه ضرورت دارد، لازمست تا تحلیل سیاسی نیروها در قبال این حرکت ضد انقلابی حاکمیت بنماییم.

**موقعیت و رجوع بدولت:** حاکمیت اسناد اینطور واسود میگرداند که دادگاههای انقلابی که در طریق مواربین سرعسی اداره میشوند، دادگاههای اختصاصی و موتسی هستند. ولی کم کم که پایه های خود را محکم میگردانند و در اسبام دادگاهها و بر قواس حقوقی و حرای کسر است. دولت تا سلط بر سورا عالی فضائی و مجلس و اعلام اصالی عنوان سال قانون مصمم دارد مقررات سرع را در قالب لایحه تنظیم کرده است. صورت مجلس رسائند و مردم بحمت کذبانی برینست تا قانون را با بصوبت و سبب قواس اربحایی و ضد مردمی سلط بر قصاص بنیان رسائند. رژیم تحریفی حزب جمهوری اسلامی میخواهد اربعود واقفند از مذهب شیعه و هم چنین آبتالله خمینی اسفاده کرده تا هم حمایت بوده ها را انکتانین قواس شرعی جلب کند و هم مخالف حزب اناب سیاسی را با "جماعی شرعی" خعد سازد. درجهت پیاده کردن این سیاست است که بهترین در ۲۱ اردیبهست اعلام میدارد:

"بسیار (حقوقدانان) بوسه اندکد ترجمه کعبه ها و بوسه های فیهای هدییم در در ادواستیکند. اما بهر اسبند است که آنحد ما بعنوان لایحه قصاص میبشنایم نیت از هر چیز بر اسب فتاوی مرجع عالیقدر و ولی فقیه امام خمینی است و هر جا که بیس فتاوی فقیه اختلافی بوده است، فتاوی امام خمینی را اولستی دانسته ایم."

سران جمهوری اسلامی کارسواستفاده از اعتقاد مذهبی بوده ها و جماعی الهی بودن لواجیحی نظیر قصاص را با نجسا رساننده است که چنین استدلال می کنند:

رساله عملیه احساسی به صورت مجلس ندارد. لایحه قصاص خود بصوبت سنده خدائی است! با همین استدلال دولت در نظر داسه و در لایحه قصاص را با یک ما نور حیات سده و کلک با رلماتی (یعنی بصوبت آن در کمسیون قضائی واحسرا بطور آرمایی برای سه سال!) سدون سروصدار بصوبت مجلس گذرانده و بصورد اجرا بکدارد. البته اولس کوشش آنها موفق نبود ولی احام مقصود را بسه روزهای آسده موکول کرده اند.

سزار آنکه رمرمه های مخالفان این لایحه در سن قضا و حقوقدانان بلند است! البته بهسی و طغه دفاع و بوجه اس لایحه راهبده گرفتار و بعنوان اولس حرکت، بشنهادت "آراد" در باره این لایحه را در یکی از سلسلهای دادگسری کرد. اما حقوقدانان معسرین در اس بحث با صلاح آراد سرکت نکرده و اعلام دانستند اس حلسه در خور بحث علمی نیست و این بحث احساسی به قضائی با زدارد که در جرح علمی ناست بر اس این حلسه، رئیس کلدادگاههای عمومی و رئیس دادگاههای صلح بهران به سخنان بهستی میس برانگه آنها در کمسیون تدویس لایحه قصاص سرکت دانسته اند. اعراض می کنند. همین امر باعث میشود که بهستی در مباحثه مطبوعاتی هفکی خود به آنها حمله کرده و آنها را بهدند به برکاری کسود و در روز سده (۱۷ اردیبهست) سورا عالی قضائی هم این دو قاصی و چند قاصی دیگر را رسمت خود بر کارگردوناسن ترتیب اولس فریاسان اعتراض به لایحه قصاص بسه "صلح رفتند تا عبرت دیگران کسزدند!" و اس ترتیب ملاحظه می شود که علیرغم جومخالفت آیزی که در بین مردم نسبت به اس لایحه وجود دارد و علیرغم اعراض افغانی که از طرف قضا و حقوقدانها وحسی بعضی از روحانیون (نظیر محمد جواد حسی کرمانی و...) که تحت عنوان مهیا نبودن جامعه برای اجرای حدود اسلامی لایحه قصاص مخالف می کنند (سعمل آمده، سران جمهوری اسلامی در بصوبت رساندن و قزم قانونی دادن به لایحه قصاص مصرهستند. بهستی این اسرار را در سخنان ترسان کرده است: "مادری ایجاد نظام سوبن پیشرفسه اسلامی هستیم و به خوشامد و بدآید این و آن سباید توجه داشته باشیم

بر رجوع دسوده ها به لایحه قصاص: عکس العمل مردم در مقابل این لایحه از همان اسبدا بطور کلی مخالف و اعراض بود. اما آنها اسبدا با ناباوری به دست انداختن

و مسخره کردن مفاد لایحه پرداخته و لسی کم کم با حدیث به عکس العمل پرداخته و اکنون در هر جا به، در هر اداره، و هر مدرسه و حتی در کانه ها و خلاصه در هر کجا عده ای جمع میشوند در باره لایحه قصاص صحبت کرده و نسبت بان اسرار اسرار کرده و دولت را بخاطر آوردن جنسین لایحه ای مورد حمله قرار میدهند. در اس میان بعضی از مردم هم میگویند: "خیلی خوبست اس بصوبت نود جو که اس بهترین چیز برای نابودی خودتان است... چه بهتر از این، با اسکار رگور خود اسزا می کنند." البته اس بر خورد سادان دیشانه از یک طرف از شدت نفرت مردم از اس لایحه حکایت می کنند و از طرف دیگر ناشی از عدم درک خطری اس که بصوبت و احرای جنس قوانینتی متوجه حقوق دموکراسیک مردم میکنند. و نتیجه اس جنس برخوردی اسن خوا هد بود که بجای کوشش مبارزه جوانان برای طرد و رد اس لایحه، حالتی بی تفاوت و غیرفعال اسنخا شود.

بر خوردن نیروهای سیاسی و سازمانهای دموکراتیک: تقریباً تمام سازمانهای انقلابی (مهل) به مخالفت واقفا کریست به اس لایحه پرداخته اند. نیروها و عناصر دموکرات انقلابی با گرایشهای مذهبی هم با تاخیر و برزلزل با لایحه قصاص از رد مخالفت سرامده اند ولی بعلت آنکه از اسن امروا همه دانستند که ما دا مخالفت آنها با اس لایحه ارتجاعی، مخالفت با مذهب تلفی شود در موضعگیری صریح و قوری سعلل بخرج دادند. در حالیکه توده ها علیرغم آنکه به مذهب بعنوان یک اعتقاد عمل میکنند اسن دادند که با جنس مقررات عفت مانده کسجا و ز آشکار به حقوق انسانی آنهاست بی تردید مخالفت می کنند. در اسن رابطه مجاهدین خلق که روی لایحه حزب ویا سیرمانا، مبرم جا معضات گریهای وسیع و همسه خانه کردند با تاخیر چهار ماهه موضعگیری رسمی کردند (در مجا هده ۱۲) ولی مخالفت ضمنی خویش را قبلاً با چاپ اعلامیه ۱۱۳ اسن از قضا و حقوقدانان اسبسران داشتند.

سازشکاران و ابورونینسهای حزب توده و جناح راست اکثریت هم علیرغم بشتیانی از سیاستها و سرتا مه های حاکمیت، نتوانستند موضعگیری علیه اس لایحه ارتجاعی خود را بکنند. زیرا اس لایحه قصاص اسقدر شور بود که جنسی جانهای حزب توده و جناح راست اکثریت هم فهمیدند! اسب توده سالحسن ملتسمانه ای از عزمای قوم خواهش

نصفه در صفحه ۱۵

ترور، شکنجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان

# معدنچیان آمریکا

## گارد اعتصاب

## تشکیل دادند



اعتصاب ۱۶۰ هزار نفری کارگران معادن ذغال سنگ آمریکا که از حدود دو ماه پیش آغاز گردید در پیروان خود با پایداری همگانی این زحمتکشان همچنان ادامه دارد. زیرا اگرچه کارفرمایان آمریکا لیست ظاهراً "خاموشه تجدیدنظر" در قراردادها شده اند اما با پیشنهادات غیرقابل پذیرشی که ارائه داده اند عملاً تاکنون به مقاومت مدیوحانه خود ادامه می دهند سرمایه داران برای درهم شکستن اتحاد کارکنان و جلوگیری از اقدامات مشابه در آینده در طرح خود موضوع تقویت تولید ذغال از طریق عملیات استخراجی توسط کارکنان غیر سندیگانی را کنجاندوده بودند طبق این طرح کارفرمایان می بایست با عقد قرارداد بدون حضور نمایندگان اتحادیه های کارگری از پرداخت حق بیمه و بازنشستگی برای کارکنان به صندوق اتحادیه سرپا زنند.

کارکنان معادن در برابر این طرح ایستادگی کرده اند و اعلام داشتند همچنان خواستار افزایش دستمزد، حقوق بازنشستگی و رسیدگی به وضع بهداشت خود می باشند.

آنها می گویند: قیمت ۴۰/۷٪ بالا رفته حال آنکه دستمزدها فقط ۱۶/۷ درصد افزایش داشته است. و آنها قادر به تامین ما یحتاج اولیه خود نیستند. و این امر بویژه در مورد بازنشستگان به مراتب بدتر است.

معدنچیان استدلال میکنند که بخاطر شدت کار و طولانی بودن روز کار بیش از ۱۵۰۰ کارگری ۱۲ سال گذشته برای سرمایه داران شده اند و بیش از ۲۰۰ هزار نفر در هر سال دچار سوءسخت مختلف می شوند که بسیاری از آنها به نفع عضو دارمی شوند و بطور کلی بخاطر نوع کارشان همواره در خطر ابتلا به بیماریهای تنفسی قرار دارند کارکنان معدن می گویند: هیئت جدید قرارداد طرفدار کارفرماست. این هیئت حقوق اعضا را از کارکنان سلب و حقوق اساسی آنها را سلب و بیش محدود می نماید. سبب دلیلی آنها خواهان انحلال هیئت مذکور بوده است. هیئت را برای بررسی

قرارداد صالح میدانند که منافعی کارکنان را به نفع سرمایه داران برساند نگذارد.

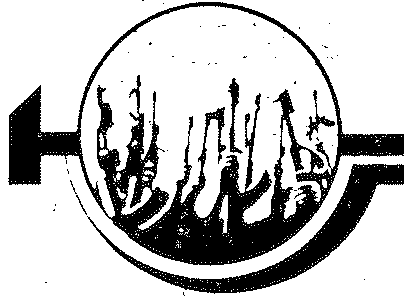
ما حیان. شما و کارمندان در مقابل ما یکبار چگی کارکنان طبق معمول بسد نیروی سرکوبگر دولتی و سرورسهای اخیرند. سوسل می خوبند. جان والیور فرما بد از سر حبس به منظور متوقف کردن حرکت کارکنان که از تولید غیراخذ شده ممانعت بعمل آورده بودند ۲۴۰ نظامی را به معادن منطقه کسپل دادند. فرما بگذار ایالت کسپل بیرونه اقدامات مانعهای دست زد. سرما بهاران می کوشیدند از دو طریق یکی تولید غیراخذیه ای و دیگری سرکوب بطور همزمان استفاده کرده اند. اعتصاب یکبار چه کارکنان را درهم شکستند.

در مقابل کارکنان یکی از معادن جهت دفاع از اعضا یک کار کرده و نفری تشکیل داده اند و در بسیاری از مناطق دیگر کارکنان زیادی مسلح شده اند. در برابر نیرویست های اخیر شده از جان خود و بارانتان دفاع نمایند. عده ای دیگر از معدنچیان انتخاب شده اند تا از حرکت کامیونهای حامل ذغال جلوگیری نمایند. معدنچیان منطقه کنتاکی موفق شده اند ۲۵٪ عملیات تولیدی غیرواپسینه به سندیگای کارگری را متوقف کنند. در ویرجینای غربی نیز کارکنان با انباشتن ذغال سنگ در جاده کنتاکی ویرجینیا مانع حمل ذغال سنگ از معادن به کارخانه ها شده اند.

اتحاد کارکنان معادن علی رغم یورشهای وحشیانه زاندارمها و سرورسهای کارمی سرمایه هرروز محکمتر می شود. اکنون کارکنان برای دفاع از منافع مشترک خویش در برابر بزرگترین انحصارات امپریالیستی ایستاده اند. طبق آمار رسمی ۲۰ کمپانی تولید کننده ذغال سنگ در مالکیت ویرجینیا ۸ غول نفتی، سه کمپانی استخراج کننده و دو کارتل صنایع فولاد قرار دارد. این کمپانی ها خودبخوبی از انحصارات صنایع نظامی هستند که سازه های انرژی پتانگون (وزارت دفاع آمریکا) و سلاحهای هسته ای را تامین می کند.

# جنبش جهانی

کارگری - رهاسحر



## السالوادور:

## سازش نه،

## انقلاب تا پیروزی

۲۶ اردیبهشت کمیته روابط خارجی سنای آمریکا ضمن تصویب لایحه ۵/۸ ریگان کمکهای نظامی ویژه ای را به رژیم السالوادور توصیه و تأیید کرد.

۲۸ اردیبهشت سخنگوی مارا بود و مارتی اعلام کرد که آمریکا میگوید تا در فاصله ماههای مه و اوت در صورتیکه پیرویهای انقلابیون همچنان ادامه داشته باشد اقدام به یک دخالت مستقیم نماید تا مگر از این طریق رژیم السالوادور را در برابر انقلابیاری رسانده جنبش انقلابی را به پذیرش راه حلی منضم بقای رژیم حاکم وادار کند.

۲۹ اردیبهشت در این روز تشکیل "تربکاردهای بولیوار" متشکل از انقلابیون سایر کشورهای آمریکای مرکزی جهت اعزام به السالوادور و شرکت در جنگ رهائی بخش در کنار خلق قهرمان آن کشور اعلام سند سخنگوی این سرگسار در بین الطلی این اقدام را منباسبه واکنش طبیعی انقلابیون و خلقهای آمریکا مرکزی در برابر دخالتهای جنایتکارانه امپریالیزم آمریکا در السالوادور توصیف نمود.

امروز دیگر معنای واقعی واهداف اصلی تلاشهایی که برای بهسازی کشاندن جنبش السالوادور با شورای نظامی جنایتکار که از یک دو ماه پیش وسیعاً آغاز شده است روشن میگردد. واقعیت

نقشه در صفحه ۱۴

# مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش

## سراسر جهان





### دولت باید وام بدون بهره در اختیار کشاورزان قرار دهد

یکی از اهالی شهریار کرج نامه‌ای به مانوشته و در آن از نرخ و مصیبتی که بیروستانیان وارد میشوند و از خساراتی که در اثر برطرف و سرمای ۱۲ هرور دین به باغهای اهالی آن روستا رسیده صحبت کرده و طی آن از ما خواسته است که فریاد اعتراض آن را به گوش همگان و دولت برسانیم و این خسیرا در نشریه "کسار" درج کنیم در بخشی از این نامه میخوانیم "از شما تقاضا دارم که در روزنامه ویبا اعلامیه‌های خود هر چه زود تر و سریعتر این موضوع را مطرح کنید و دولت را وادار کنید که حداقل به این مستعیدگان وامی بدهد که آنها بتوانند زندگی امسال خود را در این زمان که هر روزها رنج زندگی بطور تصادفی با لامبرودتا مین کنند.

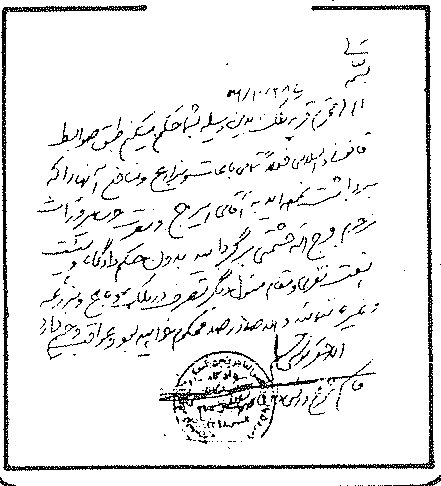
ما با رها اعلام کرده ایم و با زهم اعلام میکنیم که دولت باید نه تنها زمین بلکه کود، بذر، آب و امهسای بدون بهره در اختیار کشاورزان قرار دهد، بعضی وارد کردن محصولات کشاورزی محصولات دهقانان ایران را بقیمتهای مناسب خریداری کنند و در ازاء خسارات وارده به کشاورزان به آنها کمک کنند. اما دولت در حالیکه تاکنون میلیاردها تومان ثروت این مملکت را بجهت دلالان اسلحه سرازیر کرده است، در حالیکه میلیاردها تومان به جیب سرمایه داران داخلی و انحصارات جهانی ریخته است، در حالیکه میلیاردها تومان صرف مرکوب

توده‌های زحمتکش، دهقانان زکدر، ترکمن و... کرده است، هیچ گام اساسی در جهت بهبود شرایط زندگی کشاورزان برنداشته است. دولتی که اینهمه از گسترش کشاورزی و حمایت از دهقانان دم میزند چرا اصلاً در فکر کشاورزان نیست؟ روشن است که این دولت از سرمایه داران و زمینداران بزرگ دفاع می کند، نه میخواند و نه میتوانست بطور اساسی در جهت منافع دهقانان گام بردارد. ما روستائیان زحمتکش برای رسیدن به خواسته‌های خود باید مبارزه کنیم، روستائیان باید متحد و متشکل عمل کنند، آنها باید مانند کارگران با تشکیل شور و مبارزات مدام خود دولت را مجبور کنند، که زمین به آنها بدهد، بذر و کود و آب در اختیار آنها قرار دهد. و وامهای بدون بهره به آنها بپردازد و خسارات کشاورزان را جبران کند. ما اخیراً رگزارها و خواسته‌های دهقانان را در نشریه سازمان منمکس می کنیم، مردم را در جریان خواسته‌های روستائیان قرار میدهیم و هدای آنها را بگوش همه میرسانیم. اما روستائیان نیز باید به آنها کمک کنند و تنها با مبارزه متحد و متشکل خود میتوانستند به خواسته‌های خود برسند. دهقانان باید بدانند که تنها هنگامیکه با کارگران متحد شده با شهنشاه میخوانند بطور واقعی به خواسته‌های برحق خود برسند.

### موسی سلیم حاکم شرح میانه متحد با زمینداران علیه دهقانان

روستائیان زحمتکش فرقه ملک ار سواغ میانه با اتحاد کسار و آگاهانه خویش در سال گذشته دست به مبارزاتی زمینداران و باستان مغمور زدند و حاصل رنج سالان دراز خویش و پدران را از آنها با رستن گرفتند و میان خود تقسیم کردند. این روستائیان که در آغاز خیال میکردند حاکمیت مدعی حمایتار مستضعفان از این عمل انقلابی آنها حمایت خواهند کرد. ما واقعاً حیران بودیم و آنها وقتی با حکم حاکم شرع و رئیس با صلاخ دادگاه انقلاب میانه مبنی بر دستور بازگرداندن ملک و باغ و مزرعه و غیره به زمینداران مواجه شدند این حقیقت را در یافتند که مستضعفان مورد حمایت رژیم، افرادی بجز همان فئودالها و اربابان نیستند. این زحمتکش روستائیان امروز در میانه بندگی آنها من واقعی پیروزی آنها اتحاد و یکپارچگی آنهاست که توسط آن حقوق خود را بدست آورده اند و تنها با حفظ همین اتحاد است که می توانند از حقوق خود دفاع کنند این عین حکم حاکم شرع و رئیس دادگاه: بسمه تعالی ۱۳۶۰/۲/۲۸ اهالی محترم قریه ملک بدینویله شما حکم می کنیم طبق ضوابط قانونی و اسلامی فوراً تمامی باغات و مزارع و منافع آنها را که برداشت نموده اید به آقای ابرج و نمرت و سایر ورورات مرحوم فرج الله حتمینی برگردانید بدون حکم دادگاه و هینت هفت نفری و مقام مسئول دیگر تصرف در ملک و باغ و مزرعه و غیره ننمائید و الا در دم محکوم خواهید بود و عواقب وخیم دارد.

الاحقر موسی سلیم  
حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی  
میانه



### همکاری پاسداران و مالکین در سرکوبی دهقانان

"اگر منظور بسیج مستضعفین است چرا مالکین در راس آن هستند؟"  
در پی فشارهای مداوم فئودالها و بسیجی ها و پاسداران به روستائیان گیوان، دهقانان به تظا هرات و اعتراضات سرعلیه توطئه گران دست زدند. این حرکت دهقانان موجب آن شد که پاسداران عقب نشینی کرده و حتی مالکان مزبور را دستگیر کنند. اما هنوز پاسداران و افراد بسیج عشائری که گاه به روستاهای اطراف حمله برده، به زور گوسفند و بول از دهقانان می گیرند. هراس سیاه پاسداران و مالکین از روستائیان زحمتکش تا بدان حد رسیده، که هرگونه رفت و آمد دهقانان را کنترل می کنند. این قبیل اقدامات با واگ ما با نه سرکوبگرانه رژیم، در اراده روستائیان خللی وارد نکرده، کماکان به مبارزات خود علیه ظلم و ستم مالکین و حامیان آنها ادامه می دهند.

### مالکین در راس بسیج مستضعفین

روستای گیوان با ۸۰۰ نفر جمعیت از توابع بیلوا زکرم نشاه بوده و در مسیر جاده شوشه کامیاران به سنقر کلیانی قرار دارد. دهقانان زحمتکش این روستا با یکار بستن تجربیات چندساله خود در مبارزه با مالکین بزرگ، در آستانه قیام، علاوه بر ۲۲ جفت (حدود ۲۵۶ هکتار) زمینهای قبلی خود، ۲۴ جفت (۱۹۲ هکتار) از زمین های مرغوب مالکین بزرگ را تصادف کردند. اقدامات انقلابی خوش شینان که با حمایت پیشمرگان قهرمان کرد همراه بود، مالکین را سخت به هراس انداخته و با حمایت سیاه پاسداران کامیاران به اذیت و آزار زحمتکشان می پردازند. دهقانان در بر خورد با پاسدارانی که از زمینداران بزرگ حمایت می کنند می گویند:

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

# السالوادور

شعبه ۱۱ صفحه ۱۱

آن است که رشد جنبش انقلابی موجودیت کل سیستم سرمایه داری وابسته را در این کشور بحران زده آمریکای لاتین عملاً تهدید می کند. امپریالیستهای اروپایی سویژه آلمان غربی و نیز برخی دولت های ارتجاعی آمریکای مرکزی که سائوچه به تجاری جوب گویا و نیگرا را گونه ظاهر "رحی اختلاف طبقه ها با یکدیگر" حساب می کنند و خود پیدا کرده اند، برای جلوگیری از سقوط حتمی شورای نظامی حاکم بر السالوادور مدعو به تدریس برای سیداکردن راه حلی "مسالمت آمیز" برای "منکسر" این کشور بلاتنی می کنند. سائوچه بحارب کسکهای تاریخی به آنها این درس را داده است که در صورت دخالت مستقیم آمریکا و خروج مساله السالوادور از چارچوب "یک مساله داخلی" ویتنامی دیگران بسیار در آمریکا لاتین متولد خواهد شد که نیل از آنکه امپریالیست آمریکا بتواند حتی شکل خفت نارسای از آن نجای یابد این ویتنام حدسند بر آسرا آمریکا مرکزی را در بر کسک برد. از این رودر حالیکه خرده استفادانی به سیاست فعلی آمریکا در سال دولت السالوادور را خودشان می دهند، از سوی دیگر وظیفه به آنجرف کشاندن جنبش و متوقف کردن آن به سازش را میان خود پیش می برند.

در حالیکه دولت مکزیک تماسهای وسیعی را جهت راضی کردن نیروهای چپ برای سپس بای میز مذاکره با دارو دسته شورای نظامی حاکم شروع کرده است، دولت ویرونلا هماهنگ با تلاشهای فوق به شورای مدکور نویسیه می کند تا با پذیرفتن اصل مذاکره با نیروهای غیر چپ شرکت کننده در جنبه ما را بوند ما رتی اردرون به جنبه انتقال فشار آورد. البته این تلاشها از بینمای سی وسیع سوسیالیستهای نوع اروپایی و امپریالیستهای غربی سویژه و بلی برانت نیز برخوردار است. بین بیخود نیست که ژنرال کونیوز - سوسیال دموکرات معاون شورای نظامی حاکم ماه پیش صورت مذاکره مستقیم با انقلابیون را مطرح ساخت.

آزاده در اینجا قابل تا مل است آنکه بیستها دولتهای مدکور قبل از هر چیز از این حقیقت ناشی می شود که رژیم تا کنون نتوانسته و اکنون نیز نمی تواند با اقدام صرفاً " نظامی از عهده سرکوب جنبش نوظفده خلق بر آید و حداقل برای تجدیدنفس هم که شده با بدفرستی برای خود دست و پا کند. البته در صورتیکه جنبش این فرصت را در اختیار او قرار ندهد از ازیات بیانکی اش جهت کمک هر چه بیشتر و فعالتر استفاده خواهد کرد. بنابراین این آسکده مسلم است انقلاب السالوادور بجای آنکه درین منطقه های با مضطرب مسالمت آمیزین دردها بد خود را برای

## ویران کردن خانه های زحمتکشان تبریز،

### گوشه ای دیگر از اعمال ضد خلقی جمهوری اسلامی

زندگی خود مسلغ ناحیزی بدست آورده و با صدها مسکلات و مواج، مصالح خشمناک تهیه کرده و جنس روی خشت فرا دادند تا برای رن و فرزند محروم خود آلونک محقری بنا سازند. ز بدست های رژیم جمهوری اسلامی هورا "ارزاد رسیده و سکونه، ظالمانه ای این کلبه های محقر را که محصول سائهارنج و زحمت آسان است، بر سران ویران میکنند! رژیم جمهوری اسلامی بی وقفه در حرف خود را مدافع حقوقی مستضعفان و نجات دهنده " ستمدیدگان عالم وانمود میسازد! و مدام از صدور انقلاب به سراجها ن دم میزند! اما در عمل زوری نیست که کارگران و کسا و زنان و حاشیه نشینان میهن ما بدست یا سداران سرمایه مود سرکوب قرار بگیرند! آیا واقعا "سکا بحال دیده و با سیده شده است که رژیم جمهوری اسلامی و بلاها، آبارتمانها، و کاجهای سرمایه داران و پولدارها را سرشان ویران کنند؟!

سعد از ظهرها ر ششده دوم اردسهند عمل رژیم جمهوری اسلامی در حسدود ۳۰-۴۰ خانه را در "محبور آبا د" سربرسا دلائل مصحکی خون عصر میسهای دولتی سربر زحمتکشان این منطقه جرات کردند. یا سداران سراجرب دسوار حباط و اطامها ساهالی محبور آبا د کفشدننا فردا فرصت دار دوسایل خود را برداشته و اینجا را ترک کنند.

هنورد و غصه از سرجرب اس خانهها شکدنده بود که اینا رژیم جمهوری اسلامی در هفدهم اردسهند ماه آلونکهای، محله "سنا موی" سلاب با ره در سربر - را بولدورهای سهداری با حسا ک یکسان کرد.

در این راسته رفقای ما در تبریز اعلامیه ای منتشر کرده اند که در زیر بخنی از آن را می آورم: مردم زحمتکش میهن ما که با خون دل و عری حسین و با سحمل هرااران فشار و حفارت و با فرسوس ضروری سرین و سابل

## خارج معلمین فیروزکوه به اتهام داشتن "خط صمد"

اسلامی نمی جوید "و مینای قضاوت خود را کز آرات مدیر مدرسه (که در رژیم قبلی در این مناطق با ساواک بوده) و مسئولان مور تربیتی (بخوان) جا سوس مدرسه) ذکر می کند روز سعد حکم معلم مبارز دیگری نیز به همین دلیل تعلیق شده و سعاد از چند روز بعد معلم اخراج می شوند. اخراج این معلمین آگاه و مبارزان، ادا مه سیاست سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی در مقابل با انقلابیون است. این اخراج ادا مه ای است سرکارنا مه دو ماهه رژیم که جز کشتار، سرکوب حقان و... چیز دیگری در بر نداشته است. این اخراج نشان می دهد که با به های رژیم جمهوری اسلامی بر جهل و نا آگاهی استوار بوده، تا جائیکه از یادآوری نام و آشکار انقلابیونی مانند معلم کبیر صمد بهره گیری به هراس می افتند.

سوس و وخت جا کمیت صدا انقلابی جمهوری اسلامی از سدا آگاهی بوده سنا، با ردیگر موصح اخراج دوتن از معلمین مبارز در فیروزکوه شد. در تاریخ اول اردسهند، رئیس آموزش و پرورش فیروزکوه به مدرسه پیام روستای ظارس آمده و بعد از پاره کردن عکسهای صمد روزنامه، دیواری صمد بهرنگی و شریعتی که بوسله دانش آموزان تهیه و به دیوارهای مدرسه نصب شده بود حکم یکی از معلمین مبارز مدرسه را به حال تعلیق در آورد. این عمل ضد سمد دموکراتیک و وقیحانه با اعتراضات دانش آموزان مواجه شد و بلی رئیس آموزش و پرورش به اعتراضات دانش آموزان اعدنانی نکرد و فقط در جواب اعتراض معلم مزبور می گوید: "شما به علت داشتن خط صمد به دردمعلمی در کشور

ادامه جنگ در از مدت و دشوار رنوده ای - تقویت کند. تداومی که می شک در کسرو تصفیه صف انقلاب از نیروهای متزلزل - و سازشکار خواهد بود. چپ انقلابی السالوادور اکنون باید هوشیارانه سیاستها و تاکتیکهای سازشکارانه لیبرالها را در برابر خلق افشا کند زیرا این نیروهای سازشکار برای آنکه نظرات خود را بر جنبش تحمیل کنند - وخت زده، از امکان دخالت آمریکا برای مردم دم می زند که گوئی آمریکا همین الان موضع عدم دخالت دارد. در هرحال باید خلق را حتی برای مقاومت و پایداری در مقابل هرگونه دخالت و تجاوزکارانه مستقیم یا نکی هسا و

ارتشهای مردود دولتهای دستشاندهاش مانند ارتش هندوراس، گواتمالا، شیلی، کاردیا فی مایده سوموزا، آموزش داد و آماده کرد. چه کسی می تواند سیر روبه نزاید کمکهای نسلبانی و تخصصی آمریکا را به خونتای نظامی انکار کند؟ آیا پذیرفتن این کمکها از جانب خونتای جنا سناکارد دلیل آمادگی او برای پذیرش راه حل "صلح امیر" است؟ هرگز! فاشیستهای حاکم به بیستوانه همین کمکها ماههاست راه حل نظامی را از جناب خلق السالوادور تحمیل کرده اند که این خلق برای برقراری صلحی متضمن مصالح و منافع خویش راهی جز جنگ مقاومت و نیردرها شیخند ندارد.

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



# مردم ایران لایحه...

عقد ارتحال  
کمند لایحه فضا صرامسکوت نکدا رسد  
(سردم ۱۲۷ ردهست) اما به خاطر  
آنکداس لایحه صومری و نغابا ریجایی  
اسد تا کده خاطر اسکه: "طرح لایحه فضا  
در عمل حرسود نیلیعاب سو و معرفی شده  
صدا بغلات علیه جمهوری اسلامی  
نمیگردد!!" و حجاج را است اکثریت هم  
معقد است که بصورتی تنظیم کنندگان  
لایحه فضا صدمت ته سپیدسان و محرومان  
سوده ولی در اینکارسان موفق بوده اند!  
(کار اکثریت ۹۹-۱۶ سفید)

لیبرالها هم در ارتکابهای خود بنظر  
انقلاب اسلامی و میران تا حیات اغلظه ها  
و اطهار نظرهای مخالفین لایحه... است  
با ن موضع مخالف گرفته اند.  
همه با رویه های دموکراتیک کم و بیش به  
مخالفت با لایحه فضا صراحت داده اند  
تا فاکتوری زده اند که در اس میسبان  
فعالیت افکارانه اتحاد دملی رسان  
ختم کرده اند. هم چنین جمعیت  
حقوقدانان، البته با استیضاح، استیضاح  
حروه ای توضیحی و افکارانه در باره  
لایحه فضا ص مخالفت خود را با این لایحه  
صریحاً "براردا شد. فضا ص دادگاههای  
دادگستری، وکلا و اساتذ حقوقی بنا  
استوار ساخته ها که مخالفت خود را با  
لایحه فضا ص اعلام کرده و بنسبال آن موج  
اعتراضات و تبلیغات تا شنیدی فضا ص  
نسبت به حرکت حقوقدانان میلی سر  
مخالفت با لایحه، به مطبوعات سرازیر  
سده است که همین امر پس از همه موجب  
تکراتی بیسی و شورای باغلی فضا شنیده  
است. درین اقلیمهای مذهبی موحی  
از تکراتیها و مخالفت ها شروع شده  
و اقداماتی هم در سطح جامعه به مقاصد  
از تبلیغات و اخترا غلامیه ها کسبی  
انجام گرفته است. همواره اینها نشان  
میدهد که زمینه یک اعتراض وسیع و همه  
جانبه و سراسری در ایستاره و خود دارد.  
سایر مویری که داده شد مستندی  
که میبوان بدست داد چنین است:

- ۱- لایحه فضا ص ابتدائی ترین حقوق  
مردم سراسر را بنال کرده و نغابا است  
ارتجاعی است و بهمن دلیل مردم بدیدا  
با آن مخالفت.
- ۲- خاکست و سراسر حزب جمهوری اسلامی  
در اینساره در حالت تدافعی بوده و ار  
اوج گیری اعتراضات مردم بسبب و همه  
دارند.
- ۳- اعتراضات علیه این لایحه هم در سطح  
توده ای و هم در سطح نیروهای انقلابی و  
دموکرات جامعه خود بوده و زمینه گسترش این  
اعتراضات بخوبی سببان است.  
با توجه با این اوضاع و احوال وظیفه  
سازمانهای سیاسی و دموکراتیک بسیار  
خطرات هر چند بنظر ما مقابله با این  
لایحه ضد مردمی و وظیفه هر نیروی انقلابی و

از جمله نیروهای ساکراسیایی هستند  
است ولی واغیب است گذاس نیروهای  
صمواستدما احسان فاطمی مدسازیه  
تا این لایحه دست رسد. ندا و تبلیغات  
نیروهای انقلابی دوحدان مستسود.  
در این راسته علاوه بر سازمانهای سیاسی  
برگامونهای دموکراتیک است که با یک  
سازمانها میبایستند به فعالیت  
افکارانه و اعتراضی علیه این لایحه  
دست رسد. لازم است که همه سازمانها  
از سنگللهای کارگری گرفته تا گروههای  
روستفکری، سازمانهای ریان، دانش  
آموزان و دانشجویان، اقلیمهای مذهبی  
سازمانهای حقوقی، مصلحان، کارمندان  
سربکان و پرسنل ریان و اساتذ دانشگاهها  
و... همه و همه در این کارزار اعتراضی  
شرکت کنند. با سازمانهای مری  
و مردم آرادخواه و مری خواه جهان  
خواست کندی اعتراضی خود را علیه  
این قانون صدسری که متعلق بدوران  
فصلهای است و مقدمه ای برای تدوین  
قوانین ایران رمره است بلند کنند.  
در این راسته دانشجویان ایرانی مری  
خارج از کشور وظیفه سنگینی بعهده داشته  
و ضروری است که با فعالیتهای افکارانه  
و آگاهی دهنده، افکار عمومی مریهای  
مرفی خواه جهان را نسبت با مسئله  
حلت کرده و اعتراضی همه جانبه ای را سامان  
دهند.

نیروهای انقلابی و دموکرات حامد  
ه با افکارانه گریهای خود را ارحاب و  
حسن اعلامه در سطح وسیع شروع کرده و با  
گرفتن بلاکارت در سرچهار راه ها و مراکز  
عمومی، کداس جلسات سخنرانی برای  
افشاکری نسبت به ما هست این لایحه،  
شرکت در بحث ها و مناظره های تلویزیونی  
گسترش دهد. با ندادن زمین زد بحث ها  
در محلهای کار، کارخانه، اداره، مدرسه،  
بیمارستان، مقبهای حواروبار... بنا  
طرح این مسئله در بین خانواده ها حرکت  
کرد. با بد مردم را به حضورت حسی  
لواجی آگاه ساخت. با ندادن دادگد  
طرح و تصویب چنین لواجی که بر رسته ها  
مذهبی طرح ریزی شده هدسرت آماده کردن  
جامعه برای اعمال حسوبها، گسارو  
فلع و قمع مردم است. با ندادن داد  
که چنین لواجی میخواهد خامسره را  
بکورسان بدل کند که کوچکترین حرکت  
مردم محازاس اعدام، سکارت کردن،  
نطق دست و پا و گساردر مطالعه عام است،  
مردم باید بدانند که بدون اعتراض فعال  
و همه جانبه صمواستد رژیم را وادار به  
عقب سستی کند. نیروهای آگاه باید  
با سازمانهای اعتراضات مردم و حرکت  
در جهت همکارانها و همسنگی ها و احاد،  
عمل ها با نیروهای مرفی و مبارز در  
ایستاره این اعتراضات را به جنبشی  
کسره بدل کند. و با این ترتیب است  
که پیروی بیباکانه خلق خواهد توانست  
با مبارزات سرحیا به خود لایحه فضا ص و  
قوانینی نظیر آنرا که سلب کنند شده  
ابتدائی ترین حقوق سری و سارکت  
به دوران بربریت و سوجن را محسم میکند  
به زباله دان تاریخ بیافکنند.

# مواسم چهلم "صنم قریشی" در بند عباس به خون کشیده شد!

مورجون صنم قریشی دحرمسازری  
که هنگام فرود بسرد محاسبت در  
بند عباس به رکنار رسد بدسکنت  
حسانر حک شده بود که در صنم صومری  
اسلامی حیا بی ساردا فرود سورد  
رخند و دستکش اس سهراردا ماسی  
دیگرسا بد.

روز چهلم صنم قریشی دهم اردسهد  
مردم بند عباس بنصمم مسکرت سدر  
بیت رهرا حجت سورد کداس اس دحس  
سارر احسانر کسیده عاقل را سیکس  
مردوران رسم الخراف بنسب رهرا راه  
مخامره خود در آورده بودند. در هنگام ورود  
به بند عباس رهرا اسداری کلهاس شخصی به  
س کرد سوده اس و رود جواسی سسنام  
صموریا ساس سسودوسی مسکسند  
بلاکارتی را کد در دست داشت ارا و سکرد  
اما موقی سمی سودوکار سدر کسری مسکند  
و با سدر مریوروسی مقاومت اسس  
داس آ مورسازری ساسی سسدا سسک حید  
کلولدا ورا سسدا سسرا سس. مردم که  
ارایسهد حیات کاس سحران لسرت  
سده تدوین اردن اس این سطرده سسه  
با سدر مریور حمله مسکند که در همین وقت  
با سداران وسجی های مردود سولده و ار  
تا حوت و حماق و اسلحه جان مردم میبایند  
و سداداری آرا سبیا را محروم و مصروف  
مسکند و بدین ترتیب سرت دیگرت سسر  
حیات جواسی افرا سس.

سکوت در سراسر این حیات سسبات و  
سرتو هائیکتی خواهد بود که در تاریخ سسه  
سب خوار سسودو سرتا سرتی کسه در  
مناظره های تلویزیونی سس میسکند. بنظر  
و اسمود کسند که فقط صدا انقلابی ها مسکود  
در این کسور جفان و سرتو سسود سسرت  
مخواسهد سرتوسی سرتو سرتو سرتو سرتو  
جمهوری اسلامی نکدار سسدا سس  
بدا سسده خلق میسبان هرگز این حیاتها  
را نخواهد سسند.

در راسته اسسدا سس این محاسهد سهد  
هوادران مادر سسدر عباس اعلامیه های  
داده اند و سمن محکوم سمودن این حیات  
می افزاسد: "سودو اسخاد ما ساره را  
جان می سجدو اسراما سس کرده ما سسر  
علیه سرتو، و احیان و کسار سسدا سس  
بغض انقلاب سرتو و حوسن سسمن خواهد  
بود که این قدرت جزیدکان سوسا سس  
در سسودی و اسراف آن را دارند. سس  
همسنگی و اسخاد ص انقلاب را سسره سرتو  
ساریم و ساره سسدا سسرا سس سس  
دموکراتیک حلقهای میسبان را سس سس  
سسریم.

## تصحیح و توضیح

در کار شماره ۱۱۰ در بخش سسدا ای رده سسست  
ماه سازمان، اسناها ساسم فرزا ددا دگس  
در مره سسدا ای سازمان دگرتده است کسه  
سدین وسیله تصحیح میگردد.

# مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

# وزارت کار:

## اجرای طبقه بندی مشاغل پس از تسخیر شوراهای

مدتهاست که افزایش دستمزد به عنوان یکی از خواسته های اصلی کارگران مطرح بوده و به اشکال و راههای گوناگون مبارزه برای کسب آن به پیش میرود. از جمله، مبارزه برای اجرای طبقه بندی مشاغل یکی از مواردی است که کارگران از آن طریق، افزایش دستمزدهای خود را مورد نظر داشته و بین از قیام خود اقدام به ارائه و اجرای طرحهایی در این رابطه کرده بودند. اما از اوائل سال گذشته، وزارت کار که این طرح را مخالف منافع سرمایه داران می داند از اجرای آنها جلوگیری کرده و وعده داد که یک طرح عادلانه و سراسری را سه اجراء آورد. اکنون که وارد سومین ماه این سال شده ایم هنوز اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در کارخانه ها خبری نیست. وزیر کار و امور اجتماعی که بارها در سخنان خود اعلام نموده بود که از اوائل سال جدید این طرح با صلاح عادلانه اجرا خواهد شد، وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی که بنا بر وعده هایش میبایست پس از عید شروع به اجرای این طرح در کارخانجات میکرد از ترس رودررویی با شوراها، انقلابی کارگران، ایستادن طرح را مسکوت گذاشته و میخواهد اول تکلیف شوراها را بکسره کند. بدسترنیب این روزها آید، وزارت کار در کارخانجات بسیاری حضور یافته و تحت عنوان "قانونی کردن شوراها" قریباً را به قصدی محتسوا کردن آنها را دارند. آری وزارت کار خوب میدانند اگر شوراها ای مدافع منافع کارگران از زمین نروند نمیتوان طرح طبقه بندی مشاغل را همچون سایر قوانین فدکا رگری دیگر به اجراء آورد.

برای اینکه به ماهیت حرکت وزارت کار در این رابطه بهتری برسیم لازم است مختصری به موضوعی بسیار مهم این ارگان تاکنون بپردازیم. نگاهی گذرا به حرکات این وزارتخانه در قبال طرح طبقه بندی مشاغل تا به امروز بخوبی نشان میدهد که جزدفاع از منافع سرمایه داران و اقدام بر علیه کارگران حرکتی صورت نگرفته است. از همین رو، میشد از قبل حدس زد که آنها طرح طبقه بندی سراسری خود را برخلاف وعده هایی که میدهند تا زمانی که شوراها کارخانجات را در اختیار نگیرند اجراء نخواهند کرد.

برای وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی پیش از آنکه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مطرح بوده باشد، جلوگیری از مبارزات حق طلبانه کارگران در این رابطه اهمیت داشت. کارگراییکه در شیراز و شهران و گیلان... خود اقدام به ارائه طرحهای مناسبی کرده بودند، طرح هائیکه نهایتاً میلی بردستمزدها به عنوان جزئی از حق مسلمشان اضافه

میکرد. بدسترنیب وزارت کار ابتدای امر فریبکارانه، با وعده و وعید مانع اجرای طرحهای کارگران در کارخانه ها گردید و وقتی در این امر موفق شد وعده های خود را فراموش نموده و ما هیست حرکتش را نشان داد و مشخص شد که بیش از هر چیزی، از حرکت مستقل کارگران در این زمینه وحشت داشتند. به وعده های معاون وزارت کار (سهم دولفقارپور) که در یک کنفرانس مطبوعاتی در سال گذشته ارائه شد توجه کنید:

"بر اساس اجرای این طرح موضوع عدالت در پرداخت دستمزد، رفع تبعیض نسبت به آنها، تطبیق متوسط معیشت با دستمزدهای شرایط انسانی و عادلانه محیط کار مورد توجه خواهند بود. در این طرح که بزودی به مرحله اجراء خواهد آمد کارگر در مقابل کار به حق عادلانه خود می رسد...". اما چند ماه بعد پس از آنکه عملاً موفق شدند جلوی اجرای این طرح ها را در کارخانجات مختلف که عمدتاً توسط شوراها، انقلابی بیاده میسند بگیرند، میر محمد صافی وزیر کار در یخسار شماره ۷۵۲۶۸ بنا بر تاریخ ۱۴/۱۰/۵۹ میگوید: "با توجه به اینکه تهیه و اجرای طرحهای طبقه بندی مشاغل هیچگونه ملازمی با افزایش دستمزد ندارد...".

"همچنین مشاهده میشود که تعیین چارچوب عادلانه طبقه بندی مشاغل را کاملاً دگرگون جلوه داده و میتوان افزایش دستمزد القا مینمایند. عجب! در عرض چند ماه، طرح طبقه بندی مشاغل که میخواست "عدالت در پرداخت دستمزدها" را اجراء نماید و دستمزد را با "متوسط معیشت" تطبیق دهد به طرحی تبدیل میشود که هیچگونه "ملازمی با افزایش دستمزد ندارد!!" وزارت کار ابتدا برای اینکه بتواند جلوی مبارزات کارگران را در ارائه و اجرای این انقلابی طرح بگیرد وعده طرحی عادلانه بسیاری افزایش دستمزدها را میدهد اما وقتی به حدش میرسد میگوید این طرح هیچ ربطی به افزایش دستمزد ندارد. باید از آقایان پرسید طرح مورد نظر شما چگونه میخواهد "عدالت در پرداخت دستمزدها" را برقرار نماید بطوریکه از افزایش دستمزد کارگران خبری نباشد؟ چگونه میخواهد دستمزد را با "متوسط معیشت" تطبیق دهد که "ملازمی با افزایش دستمزدها" نداشته باشد؟ در حالیکه تورم و گرانی پیدا میکند و کمبود کالاها را مورد نیاز، فقر و بیخانمانی کمرب کارگران و زحمتکشان را شکسته است! اینست مفهوم عدالت در رژیم جمهوری اسلامی. تنها در یک صورت سخنان وزارت کار در هر تاریخ صحیح و صادقانه خواهد بود آن اینکه دستمزد کنونی کارگران بیشتر از حق آنها و بیشتر از هزینه متوسط

معیشت آنها باشد. تنها در این صورت است که عدالت در پرداخت دستمزدها هیچ ملازمی با افزایش دستمزد، کارگران نخواهد داشت، زیرا باید میلی نیز از دستمزد کنونی کارگران کاسته شود! از وزیر کار میر محمد صافی دروغ میگوید. طرح طبقه بندی مشاغل اساساً برای تعیین میزان دستمزدها است. طرحی است که دستمزد کارگران را بر اساس ضوابط مختلف از جمله تجربه، سختی کار و غیره، با توجه به نرخ تورم موجود در جامعه تعیین میکند، و حتی اجرای نیم بند آن نیز باید دستمزد کارگران را افزایش دهد.

وقتی که به تمام این موارد، آزمایش مخفیانه طرح با صلاح عادلانه وزارت کار در ۲۰ کارخانه نیز اضافه کنیم دیگر بخوبی روشن میشود که قصد آنها فقط و فقط جلوگیری از اجرای طرحهای کارگران برای طبقه بندی مشاغل بوده است و همچنین ارائه طرحی که بیشترین سوداوری برای اقتصاد بحران زده کنونی داشته باشد. به همین دلیل است که پس از مدت ها بوق و کرنا که بعد از عید طرح جدید را به اجراء خواهند آورد اکنون پیش از آغاز اجرای آن، حمله به شوراها، کارخانه ها شروع کرده اند، تا شوراها را از ارگانی برای پیشبرد مبارزات کارگران به ارگانی برای سد کردن این مبارزات تبدیل نموده و خیال خود تمام ضوابط فدکا رگری را با بطور قانونی پیاده نماید. اکنون دیگر زمان وعده های وزارت کار هم بسر رسیده است. کارگران نباید اجازه دهند که اجرای این طرح از هم به تاخیر بیفتد. همانطور که در این مدت اجرای طرح طبقه بندی، یکی از خواسته های مبارزاتی کارگران بوده، اکنون باید پیش از هر زمان دیگر به عمل مستقیم انقلابی اقدام نمود. وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد طرحی برای طبقه بندی مشاغل ارائه دهد که منافع سرمایه داران را در برداشته باشد و به همین دلیل است که تسخیر شوراها در دستور کار قرار داده است. کارگران نباید اجازه دهند که ابتدا شوراها را تحت عنوان "قانونی کردن" از زمین ببرد و آنگاه اجرای طبقه بندی مشاغل را آغاز نمایند.

متحد و یکپارچه باید از هم اکنون وزارت کار را محصور به اجرای این طرح نمایند. شوراها تیکه نمایندگان واقعی کارگران هستند باید پیش قدم این مبارزه باشند. کارگران پیشرو کارخانه ها موظفند ضمن افسانیه های وزارت کار در رابطه با طبقه بندی مشاغل، زمینیه را برای اجرای هر چه کارگری تر این طرح آماده کنند.

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید کرد



# شوراها و سیاست سرکوب رژیم جمهوری اسلامی

درسی واجی سیاسی مبارزات کارگری در ماه های بهمن و اسفند، و تا توانی رژیم جمهوری اسلامی از با سخکونی به خواستهای کارگران، رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با مبارزات کارگری سیاست سرکوب را بحکومت کرده و سازمان یافته ای در بیشتر گرفته است. از آنجا که رشد مبارزات کارگری، لزوم همبستگی و اتحاد کارگران و ایجاد و حفظ تشکیلاتی مستقل کارگری را در پی دارد و کارگران در پی تجارت مبارزات خود هر چه بیشتر به لزوم وحدت و تشکل برای پیشبرد مبارزات خود پی میبرند، تلاش برای ایجاد شوراها و انقلابی را شدت بخشیده اند. از آغاز سال سوم اغلب کارخانجات کارگران برای حفظ و تشکل شوراها کارخانه مبارزه گسترده ای راه پیش میبرند، اما در مقابل رژیم جمهوری اسلامی با برنامه ای تنظیم و سازمان یافته، موج نویینی از آنها جمعه شوراها و کارخانه، بیگر دو سرکوب نمایند - کان واقعی کارگران پیشرو و انقلابی را - آغاز نموده است.

ساخت دقیق از شیوه عملگر دو حکومتی برخورد رژیم جمهوری اسلامی به شوراها، به کارگران کمک میکند تا با اتخاذ تاکتیک های مناسب و سازماندهی و دفاع و دفاع فعال از دستاوردهای دموکراتیک توده ها در برابر سرکوب لحام کسخته پاداری - کنند. با توجه به این مسئله که این موج - تنها هم سازمان یافته و برنامه ایست - اگر مقاومت و دفاع فعال در برابر این موج سازمان یافته نباشد نمیتواند موفقیت چندان بی برخورد را برکورد. در سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی همزمان با یورش به

شوراها و انقلابی دست به فعالیت گسترده سازماندهی در درون طبقه کارگر زد. این سازماندهی از طریق انجمنهای اسلامی، تشکل شوراها و فرمایشی و کسب - انجمن های شوراها و فرمایشی صورت گرفت. در آن دوره، در کنار سرکوب شوراها و انقلابی، رژیم جمهوری اسلامی توانست با ایجاد تشکیلاتی زرد فرمایشی، برای مدتی کارگران را فریب دهد، اما در شرایط کنونی از آنجایی که کارگران انجمن خود را هر چه بیشتر به اس تشکیلاتی فرمایشی از دست میدهند و این تشکیلات قادر به کنترل مبارزات کارگری نیستند و به لحاظ اینکه رژیم جمهوری اسلامی همپایگاه نموده ای - خود را در میان کارگران به میزان زیادی از دست داده است، ناچار به سیاست سرکوب هر چه بیشتر روی آورده است. در چند ماه گذشته، رژیم با ایجاد انجمن اسلامی و حمایت فعال و اراد کار و توان شورا مرکزی گروه صنعتی کفش ملی را مملایی کید و حدود ۴۰ نفر از نمایندگان کارگران و کارگران پیشرو و انقلابی را دستگیر - اخراج و زندانی نماد. در کارخانه - را ما دبری مبارزات کارگران برای

در یافت سود ویژه، رژیم جمهوری اسلامی اعضا شورا را در ابتدا تورا دستگیر و روانه زندان میکند. در کارخانه ساوالوکس در پی مبارزه کارگران، با یورش سپاه و همکاران دستان انقلاب اعضای شورا را دستگیر و زندان مینماید. در کارخانجات دیگر که کارگران برای تشکل شوراها تلاش میکنند وزارت کار رژیم با حمایت فعال انجمنهای اسلامی مانع ایجاد تشکل های مستقل کارگران میگردد. آنها میگویند: "کارگران حق برگزاری انتخابات خود را ندارند، اینها باید که ننداید خود را به وزارت کار، سپاه و دادستان صبر می کنند تا هیئت موسس مشکل از نماینده سپاه و وزارت کار و ... کا نندیدای مناسب را تعیین کنند و بسا حضور هیئت موسس انتخابات برگزار شود." (نقل از بحثنامه وزارت کار در کارخانه کلاچ)

حال با دید هیئت موسس چگونه انتخاب میشود؟ در آئین نامه انتخابات که در - مرداد ماه ۵۹ توسط شورا ابعالی کار به تصویب رسیده است منتهیست اعضای هیئت موسس باید "موردا عنما دو معتقد به جمهوری اسلامی ایران و موردنا شیدده درصد کارکنان واحد مربوطه باشند." و از آنجا که ماده ۵ همین آئین نامه میگوید: "بررسی شرایط داوطلبان و تطبیق آنها با قانون تعیین شده نمایندده واحد کار و مرا اجتماعي و سا همکاری هیئت موسس خواهد بود." در واقعیت امر معنی تمام این تلاش و کوشش وزارت کار و انجمن اسلامی و سایر ارگانها این خواهد بود که نمایندگان شورائسه منتخب کلیه کارکنان بلکه منتخبدده در مذاکره کارکنان می یابد. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی میخواهند شوراها را ایجاد کنند که بصورت زائده وزارت کار و مدیران دولتی و حافظ منافع سرمایه داران باشند. شوراها بی که نمایندگان آنها با زور و تقلب و خفقان حاکم در کارخانه ها و بسا حمایت بیدریغ انجمن اسلامی انتخابات شوند. شوراها بی که با تمام قوا بکوشند درجا رجوی قوانین مذاکره رگری حرکت کنند و مبارزه کارگران را مهار کنند و نمایندگان اینگونه شوراها بی جای کنترل و نظارت بر کارمندان و سرمایه داران، اعمال و حرکات کارگران را زیر نظر داشته باشند. نمایندگان بی که بیای هدایت مبارزات کارگران به کنترل مبارزات کارگران، همت گمارند. اما کارگران به این سوه ها تسلیم نمیشوند و به مبارزه و تلاش مستمر و بیگروخوش برای تشکل - شوراها و انقلابی ادامه میدهند. در کارخانه نجابت بارس الکتریک مدیهاست که وزارت کار با بهره گیری از انجمن اسلامی در صدد ایجاد شورا و مورد نظر خویش است، اما کارگران بی که نمایندگان وزارت کار را از کارخانه بیرون کردند و با ردوم سا

اکثریت آراء، طرح وزارت کار را مردود - اعلام نمودند. در کارخانه کلاچ در فروپس در مقابل طرح وزارت کار، کارگران دست به اعتراض گسترده ای زدند. در کارخانه دنبا کستر طرحی را که وزارت کار اعلام - نموده بود در بر مینمایند. مایست نمایندگان وزارت کار، سپاه یا سداران، خانه کارگران و کارکنان شوراها و اسلامی بسا انتخابات نظارت کند، این طرح بسا مخالفت و اعتراض گسترده کارگران مواجه شده است. کارگران و شوراها کارخانه سوتان در مقابل آئین نامه وزارت کار به مقابله برخاستند و تن به اجرای آن - ندادند. در کارخانه جم انجمن اسلامی مسئله دخالت یک نماینده از وزارت کار را برای نظارت بر انتخابات مطرح میکند و اعضا انجمن به قصد جمع کردن امضاء - میا کارگران میروند که در مجموع توانستند ۲ یا ۸ امضاء جمع کنند. اما از سوی دیگر رژیم از شوراها بی که نمایندگان آن تحت فرمان وزارت کار و انجمن اسلامی عمل میکنند، حمایت بیدریغ میکند. حمایت وزارت کار و انجمن اسلامی از نمایندگان شوراها بی که کارخانه آرج و سا بی و گروه صنعتی بسا از این نمونه است. در مقابل کارگران به مبارزاتشان برای خلع ید از این نمایندگان به تلاش بیگرو و مستمر ادامه میدهند. سیاست کنونی رژیم جمهوری اسلامی را در بر خورد به شوراها بی بصورت میتوان جمع بندی کرد: ۱ - سرکوب و متلاشی کردن - شوراها و انقلابی، همراه با دستگیری و اخراج نمایندگان آن و کارگران پیشرو و انقلابی. ۲ - حمایت بیدریغ از نمایندگان شوراها بی که بطور کامل درجا رجوی فرمان وزارت کار عمل میکنند و محوری اراده انجمنهای اسلامی می باشند. ۳ - عدم تحمل شوراها و بی بیانی، و کوشش برای تشکل شوراها و فرمایشی با صدور آئین نامه ها و همکاری انجمن اسلامی و سپاه - یا سداران و سایر ارگانهای سرکوب.

## رژیم جمهوری اسلامی در کدام

پوشش این سیاست را به پیش میبرد؟

اینک که رژیم جمهوری اسلامی به پیش عظیمی از پایگاه توده ای خود را در میان کارگران از دست داده است و از آنجا که شوراها این دستاورد مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان به گونه ای عینی به شعارتوده ها مبدل شده است، عمق و پیوند و زمینه بیدریغ این شعار در میان توده کارگران و زحمتکشان موند این نظرات، و به لحاظ اینکه حاکمیت برای این شعار در بین کارگران و زحمتکشان تا توان است و نتواند برای اینک نتوانند رشد یافته در صفحه ۱۸

رهبری طبقه کارگرم از من پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

### شوراها و سیاست ...

شماره ۱۲ صفحه ۱۷

سازمان بوده کارگران را که در پی خود به اتحاد و اسامی تشکلهای یزمنده و مستقل شورای منجر شود، ندکند، بهنرمی بینند که اردوون کار آنها را یکسره کرد استند. درست به همین دلیل است که حاکمیت با پذیرش این شعار و در پیوشش فاشونی کردن شوراها، سیاستش را به پیش میبرد. اما بیستم منظور از فاشونی کردن شوراها چیست؟ منظور از فاشونی کردن شوراها یعنی زیر کنترل در آوردن شوراها در چار چوب پذیرش قوانین سرما به داده آئین نامه های وزارت نیرو و بخشنامه های مدیران فاشونی کردن شوراها از دیدگاه رژیم یعنی شوراها به ضوابطی تن در دهند که فقط منافع سرما به داران و دولت حامی آنان را تامین کند. آنها با تشکیل چنین شوراها می خواهند کارگران را در مقابل شوراها قرار دهند و خود را از زیر سر حمله آنها دور نگه دارند. وظایف آنها "ضنین و انمود کنند که" نمایندگان خودشان جنبش تصویب کرده اند، "تا از این طریق سرما به داران در مان بمانند و شوراها از مضمون مبارزاتی تهی گردند. آنها میکوشند شوراها را که رخنه را از مضمون توده ای و همگانی اش تهی ساخته و آنرا بصورت یک جریان فرمایشی و ابزار دست مدیران و وزارت کار تبدیل کنند و برای انجام این سیاست ضد کارگری، هر جا که شوراها یا تشکلهای هدایت مبارزات کارگران را درست دارند آنها به بهانه برگزاری انتخابات مجدد برای کناره زدن نمایندگان واقعی کارگران وارد عمل میشوند و با ایجاد جو اغتشاش و درگیری، زمینه را برای وزارت کار روسپس دستگیری نمایند. کار شوراها و کارگران پیشرو و انقلابی ایجاد میکنند. و نیز بر تلاش خود برای تثبیت شوراها و فرمایشی می افزایند. اما مبارزات کارگران از قیام تا کنون نشان میدهد که شوراها و کارگران که تنها کنون مبارزات گران آنها بر علیه قوانین سرما به داده آئین نامه های وزارت نیرو و ... انجام داده اند، نقش موثر شوراها در کنترل و ماده دره کارخانه ها، اقدام به راه اندازی واحدهای تولیدی، اخراج عوامل سرما به داری و ایجاد شرایط بهتر برای کارگران و ... از دستاورد های مبارزات شوراها است.

کارگران اینک در یافتند که تنها با سازماندهی تشکلهای یزمنده ای چون شوراها قادر خواهند بود منافع آنها را در از مدت طبقه کارگران تامین کنند. زیرا مبارزات شوراها در گسترش خود، نظام سرما به داری را به مخاطره می اندازد و در راستای بقی سرما به عمل میکند. و از سوی دیگر شوراها کارخانه شکل مستقل کارکنان یک واحد است و نتیجتاً "دارای مضمون توده ای و همگانی است و نمایندگان آن با اکثریت آراء کارکنان هر موسسه و واحد انتخاب میشوند. نه اینکه وزارت کار و انجمن اسلامی نمایندگان مورد نظر دولت خود را به کارگران تحمیل نمایند.

### وظایف کارگران پیشرو و انقلابی

کارگران پیشرو و انقلابی باید در بسرد امر مبارزه به شکل های توده ای کارگران - به ویژه شوراها و کارخانه منکی بوده و در جهت ارتقاء آگاهی کارگران و انسجام تشکلهای یزمنده کارگران کام بردارند.

با دفاع فعال از این منکر مبارزه، هر کارخانه را به دژی مستحکم در برابر تهاجمات و شوکرانش بدل کنند. در انجام این امر کارگران پیشرو باید در شرایط کنونی وظایف ذیل را بردوش گیرند:

- ۱ - مضمون مبارزاتی شوراها را هر چه بیشتر برای توده کارگران توضیح دهند و از این طریق، پیوشش فاشونی کردن شوراها را وسیله وزارت کار که همانا کنترل شوراها در چار چوب پذیرش قوانین سرما به داری است برملا سازند.
- ۲ - مضمون و محتوای توده ای و همگانی بودن شوراها را برای توده کارگران - توضیح دهند، اینکه نمایندگان شوراها را می ستقیم و مخفی کارکنان تعیین شده و وسیله آنان نیز عزل خواهند شد و هیچ مقام مزبور دیگری حق ندارد برای کارگران "نماینده ای" منصوب نماید و پانمانکنان کارگران را عزل نماید.
- ۳ - در هر کارخانه که شوراها یا انقلابی امر هدایت مبارزات کارگران را در دست دارند باید به حمایت فعال از شوراها بر خاسته و با افشای و بسیج کارکنان علیه تمام ارگانها که بر علیه منافع کارگران و شوراها انقلابی عمل می کنند همت گمارند و به لزوم تشکیل مجامع عمومی مستمر برای افشای و طرد نیروهای ضد کارگرو سازشکار - پافشاری نمایند.
- ۴ - در هر کارخانه ای که شوراها یا فرمایشی حاکم اند و نمایندگان شورا همچون ابزار وزارت کار و انجمن های اسلامی عمل می کنند، با بسیج کارگران، خواهان توضیح عملکردهای نمایندگان شورا در مجامع عمومی گشته و از این طریق، ماهیت این نمایندگان را برای توده کارگران آشکار نمایند و سپس با اشکال متنوعی از توده کارگران بخواهند که این نمایندگان را طرد نمایند.
- ۵ - برای پیش برد مبارزات در کارخانه که تنها کارخانه های انقلابی مددکار هستند، اگر لزوم تجدید انتخابات برای کارگران مطرح شود، شورا موظف است با تشکیل مجمع عمومی، یک هیئت نظارت بر انتخابات را از میان کارگران برگزینند و مبارزات را به پیش ببرند. در غیر این صورت وقتی که شوراها یا انقلابی مددکار نیستند (کارگران پیشرو و انقلابی با بسیج کارگران در مجامع عمومی، با جمع آوری مضاء از قسمتهای مختلف کارخانه، هیئت نظارت بر انتخابات را از بین نمایندگان برگزینند و مبارزات را به انجام رسانند. کارگران پیشرو باید مسئله هیئت مؤسس وزارت کار را با توجه به ماهیت ضد کارگری در میان توده کارگران افشای نموده و راه را برای نفی ان هموار سازند.
- ۶ - تشکیل مجامع عمومی، بخشی از مبارزات کارگران در پیش برد شوراها است. با تشکیل مجامع عمومی تصمیمات پشت در - های بسته را افشای کنند و از آنجا شکیسه نمایندگان شوراها مورسین اجرای تصمیمات واراده توده کارگران می باشند، با توضیح

### اعتراض

## کانون مستقل معلمان تهران

## به بازداشت سعید سلطانپور

مقامات رژیم جمهوری اسلامی همچنان در برابر اعتراضات وسیع به بازداشت سعید سلطانپور، شاگرد و هنرمند انقلابی و عضو هیئت رئیسه کانون نویسندگان ایران سکوت اختیار کرده است.

این سکوت نشان می دهد که مقامات جمهوری اسلامی از یکسویه پیجوجه نمیتوانند این اقدام ضد مکرانیک خود را توجیه کنند و از سوی دیگر رسوائی را با تاج کساننده اند که بدترین توجهی به افکار عمومی ایران و جهان و اعتراضات توده های مردم ندارند.

در پی اعتراضاتی که تا کنون از سازمانها و گروههای سیاسی و مکرانیک به بازداشت غیرقانونی سعید سلطانپور صورت گرفته است و ما آنرا در "کسار" منعکس کرده ایم، کانون مستقل معلمان تهران نیز طی اطلاعیه ای شدیداً به این اقدام ضد مکرانیک حکومت اعتراض کرده و خواستار آزادی سعید سلطانپور و تسکین معلم مبارز دیگر شده اند. متن این اطلاعیه بشرح زیر است:

"دستگیری معلم، نویسنده و هنرمند انقلابی، زندانی سیاسی رژیم دیکتاتوری شاه خائن، سعید سلطانپور - را که نمود دیگری از سیاستهای ضد مکرانیک حاکمیت است همراه با اعتراض به حمله به کانون نویسندگان و دستگیری نویسنده و معلم مبارز علی کوچستانی محکوم میکنیم.

کانون مستقل معلمان تهران ضمن محکوم کردن اینگونه اعمال ارتجاعی و ضد مکرانیک خواهان آزادی هر چه سریعتر این دو نویسنده و معلم مبارز میباشند.

کانون مستقل معلمان تهران  
۱۳۶۰/۳/۴

این مهم در بین توده کارگران، کارگران را آگاه کند که آنها باید با مورنما بیندگان خود نظارت کارمندان باشند، و این امر جز با فراخواندن مجامع عمومی عملی نمیشود، و توضیح دهند که مجامع عمومی که با شرکت کارگران شکل میگیرند نمیتوانند نمایندگان توده کارگران را منعکس کنند. عمل کرده اند، خلع گردانند.

۷ - هر چه وسیع تر، اعمال ضد کارگری وزارت کار و مدیران دولتی و نقش جاسوسی و پلیسی آنها را که اینک انجمن اسلامی عمدتاً در کارخانجات به پیش میبرد، افشای کنند و کارگران را با شکردهای کار انجمن اسلامی آشنا کرده و با افشای رهبران و سازمان دهندگان و اعضای فعال انجمنها و نحوه کار آنها توده کارگران را آری دهند تا با افشای و طرد آنان تا حد انحلال آن پیش رفته و با اتحاد آنها نه حول شوراها از حقوق واقعی خویش دفاع کنند.



# سائتراليسم دمکراتیک

## مقدمه:

مدتی قبل در مقاله "طرح یک ضرورت..." (کار شماره ۱۱۰۰) در این رابطه که "و اعیان است که تاکنون روزنامه‌های سوسیال دموکرات، معمولاً تمسک به شکل‌بندی بوجهی ساده با حسی مبدول داشته‌اند،" از خود با صفا ذکر کردیم و قبول دادیم که "خواهیم کوشید از این سعدی با جمع بندی تحریکات و تدوین مسائلی و مشکلات سکولاری، آنها را در سطح جنسیت منعکس نمائیم." از آن زمان ما با جمع بندی نتایج و گزارشات تا به این نتیجه رسیدیم که مسئله سائتراليسم دموکراتیک

و درک اصولی از آن از جمله مسائلی است که با بسیا توجه ویژه‌ای مبدول داشت. پس از آن بود که بحث حول درک آن در دستور کار ما قرار گرفت و در فرصت‌های گوناگون هیئت تراکم زیاد کارهای ما در دوره برگزاری مراسم اول ماه مه که پیش می‌آمد، توانستیم حد افلی در برگیرنده دست باسیم و آنها را بصورت سلسله مقالاتی تدوین نمائیم. و از این سعدی خواهیم کوشید بتدریج آنها را در "کار" چاپ کنیم. قدر مسلم آنستکه ما خواهیم کوشید و حد افراطی مسئله را (دموکراسی بدوی یا افراطی و فووی سائتراليسم یا سائتراليسم بوروکراتیک) بویژه بیشتر بشکافیم.

## دمکراسی بدوی

با این جمله توجه کنید: "لازم است که تصمیمات کمیته‌ها از همه محفلها بگذرد و فقط بعد از آن بصورت تصمیمات حقیقی در آید." بنظر می‌رسد که جمله آشنا بیست حتما "بدفعا آنرا شنیده‌اید، راستی ازکی؟ از آن دانش آموزی که بیعت عدم نظر خواهی روی دربار یک اعلامیه تبلیغی از توزیع آن متناع کرده بود، یا آن کارگر جوانی که عدم اجرائی مسئولینش را اینطور توجیه میکرد که در تصمیم گیری آن مورد به نظری توجه نشده بود. نه! هیچکدام! جمله از روزنامه "سواد" از رگان "اکونومیست" های پتروویست ما (یا چه فرقی میکند "اکونومیست"ها بر نشین ما) گرفته شده است. (نشین - مجموعه آثار و مقالات صفحه ۱۲۷ سازمان "توطئه چینی" و "دموکراسی چه با بید کرد؟) و نشین با استناد بان یکی از جلوه‌های انحراف عمده آن زمان پرداخته است و نمود تشکیلات سوسیالیستی را که تحت عنوان "دموکراسی بدوی" از آن یاد کرده است، توضیح داده است. برپایه این معتقد بود که "کسی که در جنبش ما عملاً کار کرده باشد میدانند که نظریه "بدوی" در مورد دموکراسی به چه میزان وسیعی میان توده جوانان محل و کارگزاران (همانجا) حقیقت آنستکه نشانها چ چنین انحرافی در سطح جنبش ما نیز یوفور دیده میشود. به اعتقاد ما طرح این مسئله که همه شرکت کنندگان در محافل و حوزه‌های سازمانی باید در جریان همه مسائل قرار گیرند، از همه مسائل مطلع گردند و در همه تصمیم گیریها تنها از آنها نظر خواهی که حتماً رای گیری شود و سپس نیز اجرائی تصمیمات به آنها نیز محول گردد، عین "دمکراسی بدوی" و نشان دهنده طفولیت و عدم بلوغ نظریات مطرح کنندگان آنست. وقتی رفیق با حداقل توان نوشتن مصرا نه می‌خواهد که

بصوان عموتحریریه ارکان سازمان در آید، وقتی رفیق دیگری میخواهد که از او درباره جزئی ترین تصمیمات رای گیری شود و مثلاً می‌پرسد که: "روی چه اساسی رفیق X مسئول تشکیلات گردیده است؟" "خوزه مرکزی" تحت چه شرایط و معیارها نشی تشکیل گردید؟" و بالاخره "با کدما معیار و صوابی ما رکسیتی رفیقی میتوانست نام مسئولینها ی بخش های مختلف را در تشکیلات عهده دار شود؟" چه عنوانی جز همین درک بدوی از دموکراسی را میتوان بر آن نهاد.

البته دموکراسی بدوی مقوله تازه ای نیست بلکه ریشه در تاریخ جنبش کارگری دارد. تاریخ جنبش کارگری نشان میدهد که در دوره‌های اولیه شکل کارگران در اتحادیه‌ها، آنها نشان حتمی دموکراسی را در این میدانستند که اولاً تمام تصمیمات از طریق رای گیری از همه اعضا گرفته شود، ثانیاً تمام کارهای مربوط به اتحادیه - تیر بنوبت توسط تمام اعضا انجام گیرد. در واقع آنها بنوعی مساوات طلبی اولیه اعتراف دادند که برای هیچ یک از اعضا ظرفیت خاص قابل نبود در حقیقت هیچ نوع تقسیم کار تخصصی را ضروری نمیدانستند. ما آنها طول کشید تا آنها با لزوم تقسیم کار و انتخاب نمایندگان و مجریان تصمیمات در جلسه مجمع عمومی سالانه برسند و با آنها اختیار تصمیم گیری در بسیاری از موارد را بدهند.

اما این درک از لزوم تا میز دموکراسی وسیع دیگر مدت‌هاست دورانش بسر آمده است و آنچه جنبش ما و هر جنبش جوان دیگر را تهدید میکند، آنقدرها آن شرایط رشد اولیه جنبش کارگری و کمی تجربه آنها در امر سازماندهی و تشکیلات نیست. بلکه در بررسی علل این پدیده و بقصد ریشه یابی آن باید دو عامل خلطی (طبقاتی) و معرفتی را در نظر داشت: ۱- حقیقت آنستکه ترکیب طبقاتی غالب "منسوبین" به سازمانها تی که م - ل را

بذیرفته‌اند، "روشنفکران انقلابی" هستند که عمدتاً نیز در جریان قیام بدین سازمانها پیوسته اند و بیعت عدم بیوند کافی با طبقه کسب خاص مثل پروتاری... (با نظایط پذیری، درک کارجمعی و... و تبدیل شدن بیک "انقلابی حرفه‌ای" ناماله زیاد دی دارند. طبیعتی است که جنبش روشنفکرانی (که "مفت مشخصه" آنها همان "انفرا دمنشی" آنهاست و خود را در همه چیزها ب نظر و نظرات خود را در همه چیز مکتب میدانند) چنین انتظاراتی نیز داشته باشند.

۲- بعلاوه بایستی به ضعف شوریک و بسد آموزیهای جنبش خودمان نیز توجه کنیم: در مورد ضعف شوریک با پیدا دغان کنیم که ما آنها تسلط حققان و دیکتا توری رژیم سابق و اثرات آن بر جنبش کمونیستی و کارگری ایران (که بواقع ضعیف و پراکنده و محدود بوده است) امکان فرصت و درک درستی از لزوم کسب مبنای اصول عام علم ما رکسیم - لنینیم را فراهم نیاورده بود و فاصله زیاد ما بین سطح جنبش خلق و طبقه کارگر از یکطرف و توان روشنفکران انقلابی از طرف دیگر پس از قیام نیز مزید بر علت شد و موجب آن گردید که نیروها درک روشن و صحیحی از مقوله علمی سائتراليسم دموکراتیک نداشته باشند و به همین دلیل هرگونه درک خود بخودی (و مسلماً "بدوی و اولیه) را عین م - ل میدانستند.

بعلاوه اگر توجه داشته باشیم که خود ما نیز در مقطع انشعاب وجهی از جوهه این مقوله را (دموکراسی ما) عمده کرده بودیم و در انطباق خلایق لنینسیم (مثلاً "تا ما به ایسرا") بر آن بدرستی تاکید نموده بودیم و کوشیده بودیم پیورتونسیم در تشکیلات سازمان را قبل از انشعاب - که بصورت سائتراليسم بوروکراتیک تجلی یافته بود افشا کنیم، بیشتر بر ریشه انحراف، کسوتی در سازمان پی میبریم. با این مسئله با زهم خواهیم پرداخت.

## اجتماع کارگران

بقیه از صفحه ۴  
نحمن کارگران و مذاکره نمایندگان آنان با دولت تا روز پنجمین ماه است. یافت و سرانجام دولت به آنها وعده داد که حقوق های عقب افتاده را برابردارد و همچنین زمینه‌های اشتغال دیگری برای کارگران را که از نیروگاه برکتا رمی شوند ایجاد کند.

## فاله پد و شهید

بقیه از صفحه ۲۴  
مملکت اند. لذا تا ظلم هست ما بویژه هسته شکست هست، عاقبت پیروزی سرانجام متعلق بخلق است... مرگ بر جلا دین مزدور محمود و دیگر شهدای خلق... خلقیها ی قهرمان ایران با داشته‌اند. قهرمانانی چون محمود - سا و پدرانانی چون غلامحسین ها، بی شک در آینده ای نه چندان دور شاهد پیروزی را در آغوش خواهند گرفت.

با اتکاء به نیروی توده‌ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم

# دعوی اصلی بر سر چیست؟

در هفته گذشته، لایحه "حذف فرمان‌ها یونی" که از سوی دولت رجائی پیشنهاد شده بود، بتصویب رسید و این ترتیب لیبرال‌های یکی دیگر از بیگانه‌های خود را در یکی از مهمترین نهادهای اقتصادی کشور یعنی بانکها از دست دادند. گرچه این لایحه تنها شامل بانکها نمی‌شود و سایر بخش‌هایی را که تا کنون دولت مستقیم بر آنها تسلط نداشته از جمله هلال احمر را نیز در بر میگیرد، اما بطوریکه نخست وزیر مراحاتاً اذعان داشته، هدف دولت عمدتاً دست یافتن بر بانکها و هلال احمر بوده چرا که ظاهراً در این بخش بیش از سایر بخشها هماهنگی لازم با دولت وجود نداشته است. رجائی طی مصاحبه‌ای در این مورد گفته است:

"هدف من از پیشنهاد این لایحه (حذف فرمان‌ها یونی)، دقیقاً همانست که با مدیرکل بانک مرکزی هماهنگی ندارم، با مسئول هلال احمر هماهنگی ندارم" انقلاب اسلامی ۱۴۰ ردهیشت

اما در خصوص این لایحه طبق معمول دو جناح حزب ولیرالها به مقابله با یکدیگر پرداخته‌اند مثلاً ملتیان یکی از نمایندگان وابسته به جناح وابسته به جناح لیبرالها بعنوان مخالف گفت:

"... طرح این لایحه به اسم واقعی آن تفویض اختیارات ریاست قوه مجریه به نخست وزیر و هیئت دولت است. عبارت فرمان‌ها یونی خیلی زیرکانه است بنا بر این اسم، اختیار واقعی را می‌خواهد مستقل کند..." انقلاب اسلامی ۱۴۰ ردهیشت

و از سوی دیگر کمی‌اوش از جناح حزب جمهوری اسلامی در دفاع از لایحه ضمن این مسئله که آنها می‌خواهند دولت را در تنگنا قرار دهند و به سقوط بکشانند اظهار داشت: "در سیستم سابق این بود که شاه تمام امور مملکت را قبضه نماید و بدین ترتیب مردم را به استعمار بکشد... آن ابلاغیاتی که بنام فرمان‌ها یونی صادر شده بود، شورای انقلاب بناچار در حقیقت کمیسیون اقتصادی شورای انقلاب مرکب از آقای مینین فرسخایی، میناسدی و چند نفر دیگر تصویب کرده و در کمیسیون تصویب کردند... بجای فرمان‌ها یونی، حکم رئیس جمهوری نوشته شود..." انقلاب اسلامی ۱۴۰ ردهیشت

## دعوی اصلی بر سر چیست؟

گرچه بظاهر هر دو جناح اصلی هیئت حاکمه حزب ولیرالها برای توده‌ها اشک تمساح میریزند و سخن از منافع مردم می‌کنند اما واقعیت بگونه‌ای دیگر

### شوشتر

بدنبال حمله شانزدهم اردیبهشت با بداران و فاولانها به کتایب خانه‌ها دران مجاهدین در شوشتر، اطلاعاتی از طرف سازمان ما به تاریخ ۱۱۷ ردهیشت در همین شهر منتشر شد، در این اطلاعیه آمده است: "مردم مبارز شوشتر! رژیم ضد خلقی"

## "حق و ویژه"

### توطئه‌ای دیگر علیه کارگران

- نقل از اخبار آذربایجان نشریه خبری فرهنگی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - آذربایجان.

این روزها در کارخانجات صنعتی تبریز، سنتی احیاء و بازسازی میشود که بعد از قیام در اثر مبارزات کارگران و شوراها متریقی آنان بعنوان یکی از رسومات ضدکارگری مطرح گردیده بود. اما جالب توجه خواهد بود اگر چنانچه بداند نیم چرا و به چه منظور رژیم جمهوری اسلامی بعد از گذشت بیش از دو سال از قیام توده‌ها در صدد احیاء مجدد این شیوه ضدکارگری برآمده است. علل چنین پدیده‌ای را اساساً باید در جدا شدن توده‌های کارگر از حاکمیت، و بی اعتباری روزافزون آن جستجو کرد. زیرا دیگر آن زرادخانه عظیم تملق و عوام‌فریبی و آن ماشین جهنمی تبلیغاتی بر روی توده‌ها، تا ثیرات مخرب خود را از دست داده است، و به بیان دیگر هر روز که میگذرد، توده‌ها توهماتشان بیشتر فروریزد و به پوچی و عده‌های حاکمیت هر چه بیشتر پستی میرسد و آنرا نه در کنار خود، بلکه رودر رو و پایه خود می‌یابند، و درست بهمین علت است که دیگر مثل سابق اکثریت کارگران حاضر به همکاری با دولت و عوام‌طلب نیستند، بلکه با آنها دائم در کشمکش و تفرقه‌ریزی هستند. نتیجه، محنوم چنین تغییراتی در روحیه و شناخت کارگران اثرات خود را در کاهش تولید و کم کاری‌های آشکار و پنهان نشان میدهد. در چنین تنگنایی است که رژیم جمهوری اسلامی که از یکسو شیوه‌های پیشین را به علت اوچکی برای مبارزات توده‌ها و بی اعتباری آنان - نسبت به خودنا کافی می‌بیند، و از سوی دیگر عوامل مزدوران دیگر حاضر نیستند بیشتر از این برای رژیم که به آینده‌اش اعتماد دجنندان ندارند، موقعیت خود را بدون هیچ امتیاز و اجرتی خطرناک نداشته و برای آن جانفشانی کنند. در نتیجه، چنین بن بست است که شیوه‌های آریا مهری و کار بست آن ضرورت خود را برای رژیم که پایگاه توده‌ای خود را از دست میدهد، بیشتر نشان میدهد، و به منظور تامین منافع طبقه سرما به دار و استثمار رهبر چه بیشتر کارگران، راهی جز تشدید جو خفقان و اعمال سرکوب نمی‌یابند. به دنبال درک چنین ضرورتی از سوسیالیست حاکمیت، دامنه تهدیدات، اخراج‌ها، جایجائی‌ها و جان‌شنینی کارگران روز - مزد بجای کارگران رسمی معمول میگردد، و موارزات آنها، جاسوسی و خیرچینی و

بقیه در صفحه ۲۲

### توضیح

بعلت تراکم مطالب ادامه مقاله بررسی و تحلیلی از جنبش کارگری در سال گذشته در شماره آینده کار درج خواهد شد.

است. آنها بر سر کسب قدرت و پیشبرد سیاستهای خود تلاش می‌کنند، آنها بر سر استثمار و غارت توده‌ها با یکدیگر دعوا دارند مثلاً اگر مورد با نکهت را در نظر بگیریم، از آنجا که با نکهت یمننا به یکی از زیبا نهای اصلی حیات اقتصادی سیستم سرمایه داری می‌باشند و درست داشتن سیستم بانکی منافع کلانی را نصیب هر یک از جناحهای حاکم خواهد کرد و با نکهت این سیستم بانکی است که قراردادها و سیاستهای اقتصادی دولت شکل عملی بخود میگیرد پس برای بر حسب اینکه این بخش تحت کنترل کدام جناح باشد امکانات بیشتری برای آن بخش فراهم میگردد و به جناحی از بورژوازی صنعتی یا تجاری، امکان سودهای کلان تری را میدهد. و در مورد و اما نیز این امر مصداق دارد مثلاً آقای رجائی در قسمتی از مصاحبه خود می‌گوید:

"اما قدر مسلم اینست که اگر دولت سیاستش بر این باشد که مثلاً صنعت در کشور رشد کند به بانک می‌تواند توصیه کند که وامهایش را به جای رشد تجارت آزاد در طریق صنعت متمرکز کند" انقلاب اسلامی ۱۴۰ ردهیشت

اگر با این جملات توجه کنیم مسئله مورد بحث ما بخوبی روشن می‌شود یعنی همان مسئله دعوی لیبرالها و حزب و اینکه امکانات مالی کشور در خدمت کدام جناح قرار گیرد، آیا تجارت و صنعت سهم عمده را بخود اختصاص دهند و از این طریق سودهای سرشار ریجیب بزنند (همچنان که تا بحال چنین کرده‌اند و اکنون دیگر با مقابله لیبرالها مواجه اند) یا سرمایه داران صنعتی نیز در استثمار و غارت مردم سهم یا شند؟ قرار دادها بر مبنای منافع حزب تنظیم شوند یا در جهت منافع لیبرالها؟

اما نکته دیگری که جالب توجه است اینکه لیبرالها پس از مشاهده از دست دادن موقعیت خود، از نامه‌های پشت پرده چند ماه قبل خود مینویسند بر سیاستهای غلط حزب و هشدارهای آنچنانی سخن می‌رانند؛ اگر این آقایان برای مردم دل می‌سوزانند چرا پس از اینکه مسئله از دست رفتن قدرت آنها در ارگانهای دولتی مطرح می‌شود شروع به افشاکاری می‌کنند؟ دلیل این امر فریب توده‌ها و جلب اعتماد آنهاست اما مردم زحمتکش ما دیگر فریب هیچک از دو جناح را نمی‌خورند، آنها ساری برده‌اند که دعوی این دو جناح بر سر این مسئله است که کدامیک سودهای حاصل از استثمار کارگران و غارت خلق را بیشتر بخود اختصاص دهند.

جمهوری اسلامی در پی سرکوب مبارزات توده‌ها و بدنبال سیاستهای ضد مردمیش روز گذشته با حمله وحشیانه به کتایب خانه‌ها و ادارات سازمان مجاهدین خلق عده‌ای را زخمی و گروهی را به اسارت درآورد. با مبارزه‌ای بیگیر برای آزادی مجاهدین در بند و با زین ستاندن کتایب خانه از جنگ پا داران سرمایه و جما قدران، با تمام توان خویش از حقوق و موکراتیک مردم پشتیبانی می‌کنیم.





### «حق ویژه» توطئه‌ای دیگر علیه کارگران

کنترل و مراقبت (کارگران) و استفاده از روشهای پلیسی آریا مهربی متدرجا رایج میشود. برای تحقق این اهداف، مقاصد، رژیم جمهوری اسلامی یکی از مؤثرترین اسلوهها و بندهای برادران را جبر کردن هرچه بیشتر جاسوسان و خبیثان (و تخمیع آنان با خصمی حق مزدوری، تحت عناوین موزرانه‌ای مانند «حق مسئولیت») مییابد

کمبیدرو: در اسفندماه گذشته (۵۹) به سبب نقر از فورسین‌ها و سرپرست‌ها از طرف عبدالله حمیری مدیرعامل کارخانه کمبیدرو «حق ویژه» پرداخت میشود. در اسفندماه کارگران بعلت درگیری با مسئله سودویزه و حقوقشان، فرصت نکردند بر علیه این عمل مدیریت اعتراض کنند و از طرف دیگر بخشی از کارگران از این توطئه، هنوز اطلاعی نداشتند، تا اینکه کم کم مزه‌ها در گوشه و کنار کارخانه در گرفت و کارگران یکبارچه شروع به اعتراض کردند، و تصمیم گرفتند که در یک فراخوان به مجمع عمومی، مدیرعامل، منظور و هدف خود را از این سیاست بیان دارد. قبل از تشکیل مجمع عمومی، فتند فروشان، مدیریت تولید، در توجیه این سیاست ضدکارگری و قبحانه چنین اظهار داشت:

«حق ویژه» فورسین‌ها را سنده از حمیری (مدیرعامل) درخواست کرده و سنده آنها داده‌ام، و این حق مسلم آنهاست. اما در مورد سرپرست‌ها (کارکنان اداره مرکزی) آقای مدیرعامل میتوانند توضیح دهند. حمیری مدیرعامل با غرور و نخوت در مجمع عمومی حاضر شده و سپس پشت تریبون قرار گرفت و بعد از وصف و تمجید از اعمال مدخلقی حاکمیت - مسئله جنگ (چماق زور)، تولید بیشتر و کارشانه روزی - او هم مانند مدیریت تولید بیشتر مانده از پرداخت و حوخی به مزدوران خود تحت عنوان «حق مسئولیت» دفاع کرده و اعلام داشت که این حق آنهاست و باید هم پرداخت شود.

ماشین سازی: در طی هفته‌های بعد از عید فورسین‌ها، مگر را «کارگران را مخاطب قرار داده و آنها را تهدید به اخراج و محازات کرده‌اند. ذکر یک نمونه از میان نمونه‌های بسیار، ذهن خوانندگان را در فهم توطئه ای که علیه کارگران در کارخانه، در حال نکل گیری است، کمک خواهد کرد: هر کس از کارش ناراضی است، جاییش را تخویض میکنیم و یا کسانیکه بخوانند دست از یا حاکمیت، فوراً «اخراج» می‌کنیم آنها از کارگران روزمزد استفاده خواهیم کرد، کارگران روزمزد تا بخوانند حق زدن یا دیگر سودیای اعتراض کنند، چند سال طول میکشد و از آنها میتوانیم برای سخت ترین و بدترین انواع کارها استفاده کنیم!

در کارخانه تجات تراکتور سازی، موتوژن و... نیز چنین اوضاعی حاکم ویا در حال شکل گیری است.

۱ - ز سروی خواهی ۱۰۰۰۰ ریال	م ۱۹۹۹ ش ۲۰۳۶	۶۲۰ م ۵۱۳ م ۷۲۹ م ۱۰۰۸ ک ۱۶۱۷ م ۲۰۴ م ۵۱۱ م ۵۰۵۵ ک ۲۸۶۲ م ۵۳۰۹ م ۶۴۰ م ۲۰۰۰ م ۲۸۶۱ م ۲۸۶۲ م ۶۴۰ م ۵۰۰۵ م ۵۱۲۱ م ۵۲۶۱ م ۲۶۱۳ م ۲۲۳۴ م ۵۰۲ م ۲۱۹۲ م ۱۱۷۵ م ۶۱۳ م ۷۱۲ م ۱۶۰۰ م	رفقای صفیان ۲۰۱۲۱ ل ۲۳۲۱ الف ۱۸۱۸۰ ب ۲۳۱ کوسن سترسین ز ۵۱۵۹ - ۱۵۰۵ ف ۱۴۰۰ - ۱۸۱۰۰ - ۳۰۰۰	بیشکام م مهدی رضائی بهر کرد ۲۰۰۰۰ ریال نواب ۶۵۰۰ ریال گوهر ۲۰۰۰ قیام ۴۲۰۰ طالقانی ۱۸۰۰ روحانی رفتار ۱۵۰۰ ریال حوار زمی ۲۳۰۰ مهرلیران ۱۶۰۰ شرین ۷۰۰ بای ۱۵۰۰ قیام ۴۲۰۰ طالقانی ۱۸۰۰ روحانی رفتار ۱۵۰۰ ریال فا جنوب ۳۲۰۰ رفقی لیبای ۳۰۰۰ رفقی مادر ۲۰۰ رفقی پدر ۵۰۰ اما نیت شما رسید رفقی قریده رفقی اکبر ک - ۲۵ - سابل ت - م - ۲۷۷ ه (۴۰ عدد کوسن سترسین) ۴۴۴ م - ۱۲۲ د - ۱۹ نامه ات رسید	۲۲۴۱ الف ۱۲۹۸ الف ۷۰۴۶ الف ۹۱۲۳ الف ۳۷۷۷ الف ۶۰۱ الف ۲۳۲۵ الف ۴۰۱۷ الف ۱۰۰۶۲ الف ۱۱۱۱ الف ۱۵۱۰ الف ۲۹۱۱ الف ۳۱۱۱ الف ۲۱۰۰ الف ۵۲۸۲ الف ۱۲۹۰ الف ۱۰۰۰ الف ۴۶۲۵ الف ۱۱۹۲ الف ۱۰۰۰ الف ۷۰۷۱۶ الف ۱۵۱۸ الف ۱۱۲۹ الف ۲۱۲۵ الف ۱۱۱۲ الف ۱۱۲۱ الف ۸۸۸۵۱ الف ۲۳۲۱ الف ۱۲۲۰۰ الف ۱۰۲۰۰ الف ۱۰۵۵۵ الف ۶۰۱۲۶ الف ۵۲۳۲ الف ۳۵۵۵ الف ۱۰۱۰۰ الف ۱۷۱۲ الف ۱۰۳۱۹ الف ۱۳۸۸ الف ۴۲۵ الف	رفقای آمل مهران ۲۵۰ ریال دو رفیق کارگر ۱۰۰۰ ریال ع ۲۰۲۹ م ۲۵۱۲ ۱۱۰۰ م س ۱۲۴۲ ق ۱۱۰۰ ه ۲۱۰۰ ش ۱۴۲۷۷ ک ۱۰۳۷ ۵۱۰۰ م ۸۲۰ م ۱۴۵۰ م ۱۰۳۷ م ۱۱۱۶ م ۸۲۳ م ۵۰۵ م ۱۰۷۲ م ۱۰۲۵ م ۵۰۱۶ م ۱۰۳۵ م ۱۵۰۲ م ۵۲۳ م ۶۹۴ م ۵۴۵ م ۵۵۵ م ۲۳۲۵ م رفیق ف ۱۹ رفیق هتوبیا نامهات رفیق سردکی میشود رفقای کوه هدشت ک ۵۱۰ م ۳۸۱ ف ۳۱۳۰ س ۱۱۲۵ ک ۲۶۰۰ ش ۵۳۵	رفقای خرم آباد ه ۲۰۰۲۳ م ۱۱۱۶ ج ۸۲۳ ب ۵۰۵ ع ۱۰۷۲ ک ۱۰۲۵ ج ۱۰۳۵ ت ۱۵۰۲ ر ۵۲۳ ن ۶۹۴ ش ۵۴۵ ک ۵۵۵ م ۲۳۲۵ رفیق ف ۱۹ رفیق هتوبیا نامهات رفیق سردکی میشود رفقای کوه هدشت ک ۵۱۰ م ۳۸۱ ف ۳۱۳۰ س ۱۱۲۵ ک ۲۶۰۰ ش ۵۳۵	رفقای راک م ۲۶۲۴ ز ۴۴۱ ف ۵۱۱ ن ۱۱۱۱ رفقای کرمان ب ۱۸۲۱ ط ۱۱۲۵ ه ۳۱۶ رفقای قاشم شهر الف ۵۳۱۵ الف ۱۱۱۴ ج ۲۱۰۷ ل ۱۱۲۱ ع ۳۵۰۰ ب ۲۱۰۰ ب ۲۰۰۰ بیشکام بنگکار ۳۳۰۰ رفقای سروز ۲۹۹۳ ۲۱۴۸ م رفیق مادر ۶۱۳۴ ۱۷۸۹
--------------------------------	------------------	--	---	--	---	---	---	---

# ۹ خرداد ۵۸ خردا شنبه سیاه:

بهاره افغان

رسد های سوخت و پوشش به جنگ  
عرب زبانی و قیام پس از قیام یمن  
۷۰ و عملگر دولت جمهوری اسلامی  
در مناطقی مختلف نظیر کردستان، ترکمن  
صحرای خوزستان و... در میان میهنده که  
آنچه در این مناطق است با آنها دوام  
به کسار هزاران نفر را مردم گردیدند  
که سربا میبودند، زهم نبود، اما کمیت  
حدید که در مقابل بوده های آنها خاسته  
تراز گرفته بود میخواست دستا ورده های

بخت و روزی سختی امام خلق عرب را  
عرب زبانی می نامید و این عنوان  
میخواست خصوصیت ملی و قومی این خلق  
را بزرگواران ببرد. زودمداران جمهوری  
اسلامی با عنوان کردن اینکه مسئله ملی  
انقلابات عرب و عجم است و بزرگ کردن  
سریکات دولت برای ویرانگری عرب  
طایفه ها خلق زحمتکش عرب خوزستان که  
تا رها اعلام کرده بودند خواهان حقوق  
دمکراتیک خویش درجا و جوب نامیست  
ارسی ایران است، نقشه های سرکوبگرانه  
خویش را سرهم بندی می کرد. تجسس و  
سرمایه داران در خوزستان (که اغلب  
عرب هستند) خلق عرب را منته میگردند  
که میخواهند با آنها در خوزستان بپروند  
کنند! سرکوب خلق عرب با برنامهای حساب  
شده مرحله ها در آمدن و لاین بوش  
نیروهای انقلابی در خوزستان در ۲۱ -



پاداران رژیم جمهوری اسلامی به هواداری از نیکوکاران مدنی بروی خلق  
انقلابی آتش میگردانند.

فروردین صورت گرفت. در این روز جمعه  
سلاجقه و از زمان بافته به ستیزه  
آزادان از زمان چریکهای فدائی خلق ایران در  
آبادان انجام گرفت که طی آن ۷ نفر از  
رزمی با زخمی ۲۹ نفر دستگیر گردیدند.  
در اوایل اردیبهشت کانون فرهنگی -  
نظامی سرختر که توسط کرسی رها شد  
مرتجع و مداح شاه و زوری سوسیالست  
معروف و دهها جوان تا آگاه تا سینه شده  
بود اعلامیه ای بنا بر این طرح منتشر کردند  
خلق عرب بخش میکند که این عمل خشم  
نظامی سرختر که توسط کرسی رها شد  
انتخاب مدنی به استانداری خوزستان  
نمیباشد خویش را در سرکوب خلق عرب اعلام  
کرد. اولین حرکت او در جهت پیمانها که در  
نقشه های سرکوبگرانه آمینودکسه در

آنان را که محمول قیام خلق بود پس  
گرفته و از تمیق انقلاب جلوگیری کنند.  
اگر این سیاست در تمام زمینه ها و  
در مورد کلبه ها و روستاها بازرگانان  
و دهقانان و زمینداران گرفته تا خلقهای  
سخت ستم خورده اجرا گشته شد خلقهای  
تحت ستم ایران چون کردها، ترکمن ها،  
عربها، بلوچها و... که با لیا تحت ستم  
رژیم سفاک پهلوی قرار داشتند  
سرکوبی این رژیم خواهان کسحقوق  
دمکراتیک خویش شدند. اما کمیت به  
قدرت زورده که تنها در ظاهر خود را  
مروا و "سنتها" می نامیدند جانی  
خواشتای دمکراتیک آنها از مدینه جانی  
در آمده و سرکوب مردم پیمانها خاسته اقدام  
کرد. از آنجاست که می بینیم هنوز چند



خلق عرب زیر شکنجه ترین اقشار، علیه تجمیع رمدنی و سیاست های فاسد  
انقلابی رژیم جمهوری اسلامی، به اعتراض برخاسته است.

حمله ای که با مسئولین شهر تشکیل دادند  
دستور خلیفه ها ترا زمانهای سیاسی  
خلق عرب را در کرد که با مخالفت و  
مقاومت بوده را رو بر رو گردید. مسأله  
در اجرای نقشه های سرکوبگرانه دولت  
جمهوری اسلامی دست اندکاران روستاها  
حمید بود. روزها در آنجا با بیگانه  
ترسیمتال خورشید که برای خواسته های  
برحق خویش تخمین شده بودند و با  
در یکمیک که مانع ورود آنان شدند  
درگیری رخ داد که طی آن یک پاسدار  
کشته میگردید و چند زخمی میگردیدند.  
این واقعه همان روزهای بود که اجتماع  
یمنی تشکیل دادند و سرانجام در آن  
مشترکان بودند تا نقشه شوم سرکوب  
و حمله های خلق را مرحله اجرا در آورند.  
بدلیل این درگیری بوده که قیام ۴  
گرداد و قیوم پیوست. ادامه دارد.

آنان را که محمول قیام خلق بود پس  
گرفته و از تمیق انقلاب جلوگیری کنند.  
اگر این سیاست در تمام زمینه ها و  
در مورد کلبه ها و روستاها بازرگانان  
و دهقانان و زمینداران گرفته تا خلقهای  
سخت ستم خورده اجرا گشته شد خلقهای  
تحت ستم ایران چون کردها، ترکمن ها،  
عربها، بلوچها و... که با لیا تحت ستم  
رژیم سفاک پهلوی قرار داشتند  
سرکوبی این رژیم خواهان کسحقوق  
دمکراتیک خویش شدند. اما کمیت به  
قدرت زورده که تنها در ظاهر خود را  
مروا و "سنتها" می نامیدند جانی  
خواشتای دمکراتیک آنها از مدینه جانی  
در آمده و سرکوب مردم پیمانها خاسته اقدام  
کرد. از آنجاست که می بینیم هنوز چند

# معامله ایدئولوژیک روزی نیستها. والهیون نیرو خط امام

بقیه از صفحه ۲۱  
بگذارید با از لاین نقل کنیم که گوی  
نخستین سند فعل اول دولت و انقلاب است  
" (از طرف طبقه حاکم) کوشش های بی  
عمل میا به کفیت های بی زبانان آنها  
(بنیانگذاران ما را کسیم ایسا زود آنها  
را تقدیس کنند... و آموزش انقلابی آنها  
و از مضمون تپی سازند. بر زندگی انقلابی  
آن را از اشل میا به خودمان را بستند  
کنند. در شرایط تاریخی کنونی که مانی  
ایدئولوژیک طبقه حاکم رستی شاره به  
با سلاح ما را کسیمتها با رسالت سیاسی  
ما را کسیم را به روش بگیرند!  
طبری مرید و ما دق است! اگر  
مسائل را به محتوایش بر وجه بکنیم  
می بینیم که بین ایدیون و شیوهی انقلاب  
پیرو خط امام (که ما به قدرت هستند) و  
ما را کسیمتها اصیل انقلابی... (و ایدیون)  
... (ایدیون) عرب توده (در درک معادل  
انسانی و ملی بشری و عدالت انسانی)  
تفاوت ما توی وجود تفاوت... تفاوت  
ظاهری میتواند وجود داشته باشد...  
آیا ما قیام ترا از این میتوان  
ما را کسیم را به قیام ما را کسیم آشی داد و  
آن را در کرد؟ یا تردید میماند که  
مخاطب امروز کلمات آغازین دولت  
انقلابی است همین آقا یا ن ما را کسیم  
هستند؟  
احسان طبری واقعا "در خول طبقه آگاه"  
است چاکسی استادانه ترا از این میتوان  
بر سر سر عهد خود با "بیرا در این پیرو  
خط امام" بنشینند و ما را کسیم را در  
مخاطب لفظی میبندند کسحقوقی ما را کسیم  
بخت بد و در این راه تنها نیست و اما ز  
کنند هم نیست اما به دهنده راهی است  
که روزی پیرو نیتهای "اسیل و ما دق" همچون  
کا کوشکی و بلخانیف و دیگران در آن طری  
فوق کرده اند و حال که در کوششها و اظهار  
لبه و "چاکسی" و میرسد، مجال نقصان  
میباشد. به جهت نبودن اجتهادات او در  
"ما را کسیم" آشاه میگردیم.  
به قول ما اما نه "آشاه" و نه "دروغ"  
است: بیگانه در طول زمان که کفیت  
نور را با کفیت کفیت کفیت و دیگری  
انتخاب با وجود تفاوتها در برابر هم  
... به طور همزمان "مثل شب و روز،  
از برای استفاده و آنچه با کفیت  
عمومی جهان میشود. تفاوت دوع اول"  
است. یک سؤال کوچک این بود که  
بورژوازی همزمان با هم در جوامع  
سرمایه داری وجود دارند. با تقابل و  
تغایف و تقاضای طبقاتی این دو با کفیت  
حرکت عمومی جا به جا به داری نشود؟  
پاسخ طبری لادینتی است: در ما را کسیم  
اوایل سرختر است نه به تفاوتها در یکی  
از شرکتد های کفیت میبندند کردن و راه  
ما را کسیم و نفی تفاوتها عنوان با کفیت  
عمومی حرکت جهان است و هرست در نقطه  
مقابل جوامع این آموزش لاین قرار دارد  
که "با کفیت را میتوان به اعتبار  
عنوان شوری وحدت آشفاد تفریق کرد."  
(لنین، تبلیغ علم منطبق شکل)  
سمن کوتاه کفیت و اذعان کنیم که  
استاد طبری خاسته لقب استاد است.  
لینکن لقب استاد را در راه مور و پیرو نیتم  
بیکار دیگران غرب ایشل شیرین میماند  
میباشد که سبب مانع به ما به ما خاسته  
میباشد: بهم پورتونیم سیاسی در کردار  
کبا توری، به از طریق فهم روزی پیرو نیتم  
ایدئولوژیک در لاین سمن استادانه  
استاد طبری میسر نیست. این دوره  
بپدره ما که هستم که ما انقلاب دپرها زود  
بر سر ما بنان و ایران میگردیم.

توضیح  
در مقاله "لایحه بودجه ۱۳۶۰ دروغ مصلحت  
آمیز" ستاره در کارش راه ۱۳۹۹ مقدار  
انتشار را کسحقوق ۶۸۹ میلیار و ریسمان  
نکرده که رقم صحیح آن ۲۶۶ میلیار  
زیاد است. رقم ۶۸۹ میلیار و ریسمان  
مربوط به نام مین کسحقوق است. از  
طرفی افسوسناک است.

## ۱۲ خرداد، سالروز اعلام جمهوری گیلان گرامی باد

۱۴ خرداد دشت و یکمین سالروز اعلام جمهوری گیلان است. در این شرایط که رژیم جمهوری اسلامی بخاطر مصادف شدن روز ملی خود در جهت فدیت هر چه بیشتر با نیروهای کمونیست دست به تحریفات بسیاری در مورد تاریخ جنبش گیلان زده است. ما در عین گرامی میداشت این روز ملی خواهیم کرد تا به بررسی هر چند مختصر از سیر تاریخی این جنبش دستاورد ها و گامی های آن بپردازیم. شاید این گوشه از تاریخ مبارزات خلقها بماند که اینک مورد تحریف جمهوری اسلامی قرار نگیرد برای توده ها روشن تر گردد.

### زمینه های تاریخی جنبش گیلان:

مشروطه که ما به میدان کشاندن توده های وسیع خلق بخصوص خرد بورژوازی و زحمتکشان شهروستا همایه های بسیاری آفرید. بعلمت ضعف بورژوازی ملی ایران و بخصوص عدم انسجام، شکل گیری و قدرت بورژوازی صنعتی و منابع آن عدم رشد و انسجام طبقه کارگر و باقی ماندن لایسم و بورژوازی (تجاری) با شکست مواجه شد. انقلاب نتوانست اهداف خود را برآورده سازد. در نتیجه خواسته های توده ها پایبند نگاماند. از سوی فئودالیسم بیرونی و فئودالیسم داخلی به بقای خود ادامه داد. از سوی دیگر سلطه امپریالیسم پانچا بر ما تده و روسیه تحکیم نهاد.

بهین علت - یعنی بعلمت عدم تحقق خواسته های توده ها و شعبارهای انقلاب - پس از شکست انقلاب مشروطه شاهد جنبش های توده ای در مناطقی مختلف ایران هستیم. این جنبش ها عمیقاً "توده های وسیع کارگران، زحمتکشان و خرد بورژوازی شهروستا و همچنین اقشار عمده بورژوازی ملی را بدنیال دارد. این جنبش ها عمدتاً مضمونی ملی ضد امپریالیستی - دمکراتیک دارند. جنگ جهانی اول و تقسیم ایران بین امپریالیسم انگلیس و روسیه - تزاری نیز عملاً زمینه مساعدتری جهت تشدید این جنبش مهیا سازد و از اینرو دوره جدیدی از مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک را در پی دارد. که ادامه طبیعی انقلاب مشروطیت محسوب میشود. در این میان امپریالیسم آلمان که از اواخر قرن نوزدهم در رابطه با بازارهای موجود جهانی به رقابت با امپریالیسم انگلیس پرداخته است سعی دارد از این جنبش ها بسود خود، در جهت تحکیم منافعی در ایران سودجوید این رقابت شرایطی را بوجود آورد که بورژوازی ملی ایران قادر به بهره گیری قابل توجهی از ضامدهای موجود بین امپریالیستها بود. از نظر واقع داخلی حاکم، ایران "غلام" در بین روسیه تزاری و امپریالیسم انگلیس تقسیم گشته بود. حکومت مرکزی در حقیقت عروسکی بیشتر نبود و این

سما بیندگان و ژنرالهای روس و انگلیسی بودند که در سراسر مملکت فرمان میرا بندند. سوده های مردم، کارگران، دهقانان و زحمتکشان در اشردخالت اوضاع اقتصادی در شرایط طاقت فرسای بزم میروند. فقر و فلاکت توده ها را فرا گرفته بود و این شرایط زمینه مساعدی برای رشد جنبشهای سوده ای فراهم نمینمود. در حین شرایطی و بر حین زمینه ای بود که جنبش گیلان و در جوار آن جنبش های محلی دیگری چون جنبش سح محمد خیا بانی و جنبش کلانل پیمان سزا سر مناطق شمالی کشور را فرا گرفت.

### انقلاب اکبر و سه و ناتیران بر مبارزات

#### خلقهای ایران:

پیروزی انقلاب کبیرا کثیرا تیرات بسیاری بزر مبارزات خلقهای ایران بنا دو نقطه عطفی در جنبشهای ایران بخصوص در مناطق شمالی بحساب می آید. با بد نظر سیر داشت که "کلا" مبارزات کارگران زحمتکشان ایران، بعلمت تماس نزدیک با جنبش سوسیال - دمکراتیک روسیه، بعلمت رفتو آمدهای وسیع کارگران ایران بخصوص به کوبا و فقار و بعلمت تماسهای نزدیک کمونیستهای دو کشور تا تیرات سیاسی از جنبش های خلقهای روسیه گرفته است اما این تا تیرات در زمان پیروزی انقلاب اکبریه، اوج خود رسید. دومین گنگره شورا های سراسری روسیه، درست پس از پیروزی انقلاب، انوکلیه فرار دادهای آسارت با رونق کبریا که در زمان تزار منعقد شده بود اعلام نمود و از جمله شوری نیروهای خود را از گیلان فرا خواند و تماسی تا سیات متعلقه اش چون با یکجا، جاده ها، گمرکات و... را بینه ایران واگذار نمود. در این رابطه بنا وجودیکه دست امپریالیسم انگلیسی پیش از پیش در جاپول و غارت خلقهای ایران گسترده گشت اما مبارزات توده ها نیز بشکل متمرکز و با هدف مشخصی تا بودی سلطه امپریالیسم انگلیس اوجی نوین و گسترش تازه یافت. تمامی تا تیرات انقلاب کبیرا کثیرا بر مبارزات خلقهای ایران را نمیتوان در نا بودی سلطه تزاریسم برای ایران خلاصه کرد.

مبارزات انقلابی توده های روسیه تا تیرا بزرانی در رشد مبارزات خلقهای ایران نهاد. انتقال تجربیات انقلابی آموزش بسیاری از مبارزین، انتقال آگاهی های مبارزاتی و... همه و همه تا تیرات بسزایی است که جنبش انقلابی روسیه در رشد جنبش توده های ایران نهاد تا سهای تنگ تنگ بسیاری از تئوریسینها و رهبران جنبش با انقلابیون بلشویک نقش بسزایی در رهبری مبارزات نهاد و "کلا" جنبش گیلان با غرض نوبه های اکبر اوجی نوین را در عرصه های نوین یافت. ادامه دارد.

## نامه دکتر رفیق شهید محمود صمدی

نامه ای دارم از بیدر شهید محمود صمدی که در ۱۳ بهمن ۵۹ بجرم دفاع از منافع زحمتکشان و هواداران را از زمان بیکار بدست جلادان جمهوری اسلامی در ما هنر اعدام گردیده است. این مبارز دلاور - بر طبق سندیکه در اختیار ما است قبل از اعدام توسط مزدوران رژیم سختی تکمیل شده است! بیدر محمود صمدی کارگر شرکت نفت است که سیره جانش طی ۲۳ سال کارگری طبقه موم جها نخواران سیرا مللی سرما به و وابستگان ایران نشان سرازیر شده است. این پدر مبارز و آگاه - در نامش خطاب به ما مینویسد: درود شما، درود بر تمامی کمونیستهای انقلابی، از شما می شما که در راه آرمان طبقه کارگر گام بردارید می خواهم گامهای استوارتری برداشته تا هر چه زودتر بتوانیم جا به جا کمونیستی برسیم. میدا تم کبر فقای - عزیز عزیزم! بیدر! آرزو دارم که به زودی و در سراسر امپریالیسم جها نی بزر کردگی آمریکا و وابستگان داخلی و پیروزی تویم. خون همه کمونیستهای انقلابی پرچم ما خواهد بود. از زندگی پر فراز و نشیب محمودا گریخواهم بر این بگویم چون دیگر کمونیستها مثل جها هسا، هما یون بریزا دهانیک اندامها، علوی شوهریها و نوما جها و دیگر کمونیستهای انقلابی پر از شفت و عشق به زحمتکشان است. ولی زهمه شما به ما به محمود خودم می خواهم هم چنان در مبارزه بیکیروسی اما خود ادامه داده و... پیروزی کنید. این پدر آگاه و مبارز دلاور ما اعتراضی که پس از اطلاع از اعدام فرزند قهرمانی به شورا ایالتی قضائی نوشته و در بیان نامه به همه مقامات، روزنامه ها و... به خلق قهرمان ایران، خطاب کرده است، میگوید: در تاریخ ۱۰/۷/۵۹ ما اینجا سب اطلاع رسید که ورا به جهت مبارزه اش در راه آرمان طبقه کارگر دستگیر کرده اند، اینجا سب پس از شنیدن به دادگاه انقلاب ما شهر مرا حه نمودم که جرم فرزندم چیست. گفتم فرزند شما از هواداران - بیگنا راست... فرزند اینجا سب را پیش از ایننگاه اعدام کنند شکنجه نبر داده بودند... تقاضای بیرون داری را کردم تا جرم او را بداند و ولی زاد پیرونده اش نیز خودداری ورزیدند. در رژیم گذشته در دادگاهها فرما بشی در خوا نوا ده اش را اطلاع منی دادند و برای ویک وکیل فرما بشی میگردند و دولتی امروز بدو ن محاکمه اعلا میکنند.

اینست معنی عدالت و دادخواهی که کودکان ایران از دانشوند امپریالیسم و با فری و علوی به حین محکوم شوند و بعضی های سوسله و استکان امپریالیسمها فرار داده میشوند و فرزندان قهرمان مثل محمودها، نیک اندامها و جرحا ننها و دیگر بر میسها یا بیدا اعدام گردند چون مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان این

بقیه در صفحه ۱۹

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر